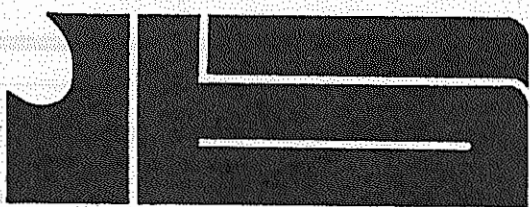


# شکست ریگانسم بیل کلینتون رئیس جمهور امریکا شد

در صفحه ۱۲



ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

چهارشنبه ۲۰ آبان ۱۳۷۱ - ۱۱ نوامبر ۱۹۹۲ - دوره سوم شماره ۴۷

KAR, No. 47 Wednesday 11 Nov 1992

# تظاهرات عظیم مردم در لندن

در صفحه ۱۲

## شبکه ترور دکتر شرفکندی و یاران او شناسائی و دستگیر شدند

بعد از قتل دکتر شرفکندی و یاران او در برلین، کمیته‌ای از جانب بخشی از نیروهای اپوزیسیون با عنوان "کمیته اپوزیسیون ایرانی در تبعید علیه ترور- برلین" تشکیل شد. این کمیته تاکنون در مورد ترور اخیر چندین اطلاعیه داده است. در آخرین اطلاعیه این کمیته گزارشی در زمینه دستگیری قاتلان و مجریان ترور درج شده است. در این اطلاعیه آمده است که: "طبق آخرین خبرهایی که کمیسیون روابط همومی این کمیته دریافت کرده است، بجز یک نفر کلیه کسانی که در این ترور شوم دست داشته‌اند از سوی مأمورین دادستانی کل کشور آلمان فدرال شناسایی و دستگیر شده‌اند. تعداد آنها احتمالاً بیش از ۱۰۰ نفر است."

## نامه شورای مرکزی سازمان به دادستان کل آلمان

ادامه در صفحه ۲

# علیه نقض حقوق بشر در ایران

● نامه ۶۲ سناتور امریکا علیه نقض حقوق بشر در ایران  
● نماینده جمهوری اسلامی پس از ده سال به کمیسیون حقوق بشر گزارش داد

میثاق "جلوه دهد. اما قابل توجه این بود که هیچ یک از اعضای کمیسیون با این ادعای پوچ هم‌نوازی نکردند. ادعای انتطابق احکام اسلام و یا انتطابق مجازات‌های وحشیانه ای چون سنگسار و حد زدن و قصاص یا میثاق حقوق بشر به مخالفت صریح اعضای کمیسیون ادامه در صفحه ۳

"نحوه اجرای میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در ایران" به کمیسیون حقوق بشر گزارش دهند. اما متن گزارش حسین مهرپور رئیس هیات نمایندگی ایران و سئوال‌های اعضای کمیسیون از وی در مطبوعات کشور انتشار نیافت. وی در گزارش خود کوشید، جمهوری اسلامی ایران را پایبند به میثاق حقوق بشر اما "به تعبیر اسلامی از

بندبال نامه ۲۱۹ نفر از اعضای مجلس نمایندگان امریکا به سازمان ملل متحد، اخیراً ۶۲ نفر سناتورهای مجلس سنای امریکا نیز نامه‌ی مشابهی را امضا کرده و در آن از سازمان ملل متحد خواسته‌اند که اقدامات شدیدتری علیه ایران انجام گیرد. سناتورهای امضاکننده هم از حزب دموکرات و هم از حزب جمهوری خواه هستند. سنای امریکا یکصد نفر سناتور دارد و امضای نامه توسط ۶۲ سناتور در حد یک مصوبه است، که دارای یکصد عضو است، اهمیت نامه را بالا می‌برد. مطبوعات کشور خبر قوت را انعکاس داده‌اند. از جمله روزنامه کیهان روز ۲۹ اکتبر این اقدام سناتورهای امریکایی را تحت عنوان "ادامه برخوردی خصمانه با ایران" با تیتیر در شتب چاپ رسانیده است.

## علی خامنه‌ای: "حقوق بشر نیست اینها، این شعار مفتضحی است"

و دنیا گوش نخواهد داد." خامنه‌ای در آغاز سخنان خود گفت: حوادث امروز حوادثی است که باید در جهان از پدیده‌های بنام حضور یک استبداد بین المللی و دیکتاتوری جهانی نام برد. و اضافه کرد: استبداد بین المللی "این شعار را خوبست ندهند اینها

از سوی دیگر روز ۳۰ اکتبر نمایندگان جمهوری اسلامی پس از دهسال حاضر شدند در باره و تغییر مناسبات اقتصادی سابق بین امریکا و ایران بگونه‌ای که نه وابستگی و اسارت بلکه نفع طرفین در میان باشد، به بازپرسی در دست سران حکومت بدل شده. و باعث گردیده است که کشور ما از حضور متعادل و منطقی در بازار جهانی و مجامع و نهادهای بین المللی محروم بماند. به تقصیر ماجراجویی‌های رژیم، ثروت عظیمی از کشور توسط بهانه جویان امریکایی در بانکهای امریکا بلوکه شده است. سلاح‌ها و کالاهای امریکایی از طریق واسطه‌ها به قیمت چندین برابر و به بهای فشار بر اقتصاد کشور و سطح معیشت مردم خریداری می‌شود. نیروی مادی و معنوی بزرگی از کشور صرف خنثی کردن کارشکنی‌های امریکا در مجامع جهانی میگردد که همه این کارشکنی‌ها هم عمدتاً بر زمینه بلاهت "مرگ بر امریکا" امکان بروز یافته است.

سود مردم ما آنست که کشور ما با کشورهای جهان از موضع استقلال سیاسی و تامین منافع خود رابطه داشته باشد. از قطع رابطه در جهان همیقا همبسته‌ها، نفعی حاصل نمی‌شود و بر عکس زیان پدید می‌آید. بر خلاف آنچه که خصیضی زمانی گفت "رابطه با امریکارامی خواهیم چه کنیم؟" مردم ما رابطه با امریکارامی خواهند تا از امکانات ملی و فرا ملی این کشور ثروتمند و پیشرفته در جهت منافع خود بهره بجویند. این رابطه را می‌خواهند تا از طریق آن و به گونه سنجیده و معقول و دقیقاً از موضع منافع خودی، در جهت حضور فعالتر و موثرتر در سطح

## مناسبات کشور ما با آمریکا باید بهبود یابد

حزب دموکرات امریکا با شعار "تحول" بر حزب جمهوریخواه امریکا که منادی "ریگانسم" بود پیروز شد و بیل کلینتون جای جرج بوش را گرفت. درست است که این جابجایی اساساً در چارچوب منافع طبقات حاکمه امریکا صورت گرفته است اما به گواهی سنت تاریخی، این تغییر رانمی‌توان و نباید یک تغییر جزئی و بی‌اهمیت تلقی کرد. بویژه اینکه، طرفین مامها و حتی می‌توان گفت چند سال بر سر عمده‌ترین جهات سیاست داخلی و خارجی و مخصوصاً سیاست‌های داخلی این بزرگترین و قدرتمندترین کشور جهان سرمایه‌داری و کل جهان، به رقابت پرداختند و اعلام موضع و برنامه کردند. پیروزی حزب دموکرات و کلینتون در انتخابات امریکا، یک واقعه سیاسی مهم در مقیاس جهانی است که بر همه روندهای بین المللی و مالا بر وضعیت عموم کشورهای جهان تاثیر گذار است. این تغییر، خواه ناخواه بر امور و... شئون سیاسی و اقتصادی کشور مانیز موثر است و تنها باید گفت که جهت و دامنه این تاثیر، بنوبه خود و تا حد زیادی متأثر از روندهایی است که در کشور ما جریان دارد و می‌تواند گسترش یابد. این نکته بدیهی و روشنی است که ریگانسم در آستانه دهه هشتاد و تحت شرایط اوضاع و احوال امریکا و جهان آن دوره پدید آمد و آنگاه بمدت دوازده سال بر امریکا و به مقیاس وسیعی بر جهان فرمان راند. اما بهیچوجه نمی‌توان از نظر دور داشت که این پدیده خطرناک و ماجراجو برای صعود به قدرت و نیز حفظ آن یک قدرت، از یک رشته حوادث و روندها در جهان بهره جست. رژیم جمهوری اسلامی با همگردهایی چون مشتعل کردن آتش بصران گروگان‌ها در دست در مقطع انتخابات امریکا و نیز در سال‌های بعد با کوبیدن بر طبل جنگ تعقیب سیاست‌های تشنج‌آفرین در منطقه و امریکا ستیزی کور هم به رونالد ریگان و هم به خلف او جرج بوش یاری رساند. جمهوری اسلامی، قطع رابطه با امریکا را نهاد استقلال سیاسی خود قرار داد و با جایگزینی امریکا ستیزی هیستریک بجای استقلال واقعی، ضربات سنگینی چه بر مصالح آتی مردم و چه به منافع دراز مدت کشور وارد آورد. طی سال‌های گذشته، خواست بر حق مردم در تحقق استقلال سیاسی و تغییر مناسبات اقتصادی سابق بین امریکا و ایران بگونه‌ای که نه وابستگی و اسارت بلکه نفع طرفین در میان باشد، به بازپرسی در دست سران حکومت بدل شده. و باعث گردیده است که کشور ما از حضور متعادل و منطقی در بازار جهانی و مجامع و نهادهای بین المللی محروم بماند. به تقصیر ماجراجویی‌های رژیم، ثروت عظیمی از کشور توسط بهانه جویان امریکایی در بانکهای امریکا بلوکه شده است. سلاح‌ها و کالاهای امریکایی از طریق واسطه‌ها به قیمت چندین برابر و به بهای فشار بر اقتصاد کشور و سطح معیشت مردم خریداری می‌شود. نیروی مادی و معنوی بزرگی از کشور صرف خنثی کردن کارشکنی‌های امریکا در مجامع جهانی میگردد که همه این کارشکنی‌ها هم عمدتاً بر زمینه بلاهت "مرگ بر امریکا" امکان بروز یافته است.

سود مردم ما آنست که کشور ما با کشورهای جهان از موضع استقلال سیاسی و تامین منافع خود رابطه داشته باشد. از قطع رابطه در جهان همیقا همبسته‌ها، نفعی حاصل نمی‌شود و بر عکس زیان پدید می‌آید. بر خلاف آنچه که خصیضی زمانی گفت "رابطه با امریکارامی خواهیم چه کنیم؟" مردم ما رابطه با امریکارامی خواهند تا از امکانات ملی و فرا ملی این کشور ثروتمند و پیشرفته در جهت منافع خود بهره بجویند. این رابطه را می‌خواهند تا از طریق آن و به گونه سنجیده و معقول و دقیقاً از موضع منافع خودی، در جهت حضور فعالتر و موثرتر در سطح

## سفر دمیرل به تهران از سردی روابط ایران و ترکیه نکاست

● کمیسیون خارجی مجلس از حضور ارتش ترکیه در شمال عراق ایران نگرانی کرد.

با وجود دیدار دوروزه دمیرل از تهران و ملاقات و مذاکره با مقامات جمهوری اسلامی، اختلافات و رکود در مناسبات میان تهران و آنکارا بجای خود باقی است. اندکی پس از پایان سفر دمیرل به ایران و بدنبال عملیات نیروهای ارتش ترکیه علیه پایگاه‌های چریک‌های حزب کارگران کرد ترکیه در شمال عراق، کمیسیون خارجی مجلس شورای اسلامی نسبت به حضور نیروهای نظامی ترکیه در شمال عراق ایران نگرانی کرد. نیروهای ارتش ترکیه در تعقیب چریک‌های کرد ترکیه، تا

## زیر دریایی اتمی امریکا و آبراهای خلیج فارس شد

● خلیج فارس شاهد دور تازه‌ای از زور آزمایی و مسابقه تسلیحاتی است

در حالیکه چند روز پیشتر به ورود زیر دریایی خریداری شده از روسیه به آبهای خلیج فارس باقی نمانده است، نیروی دریایی آمریکا یک زیر دریایی اتمی بنام "تویکا" را وارد آبهای خلیج فارس کرد. بنابه اظهارات مقامات نیروی دریایی امریکا، این زیر دریایی بمدت یکماه در خلیج فارس خواهد ماند و بر "سازسک برنام پیش بینی شده مأموریت کنترل فنی" خواهد داشت.

زیر دریایی جمهوری اسلامی که به گزارش خبرگزاری‌ها بزودی وارد آب‌های خلیج فارس شده و در بندر چابهار استقرار خواهد یافت، یکی از دو زیر دریایی خریداری شده از روسیه است و از نوع دیزلی می‌باشد. مقامات دولت امریکا که از مدتها پیش برای جلوگیری از فروش این زیر دریایی‌ها به جمهوری اسلامی، دولت روسیه را زیر فشار قرار داده بودند موفق به جلوگیری از این معامله نشدند. علاوه بر دولت امریکا، دولت‌های انگلیس، فرانسه، استرالیا و کشورهای عرب حوزه خلیج فارس نیز مخالف فروش زیر دریایی از طرف دولت روسیه به جمهوری اسلامی بودند. ورود زیر دریایی اتمی امریکا به آبهای خلیج فارس از سوی مفسران و انکشی از جانب امریکا و متحدان منطقه‌ای آن نسبت به

## در پی دیدار سلمان رشدی از آلمان جایزه قتل باز هم بالاتر رفت

سخنگوی وزارت امور خارجه آلمان: آلمان با تمام توانایی و امکاناتش از سلمان رشدی حمایت خواهد کرد.

سلمان رشدی برای استمداد از دولت آلمان از آن کشور دیدار کرد. این مسافرت به دعوت تیاوک نماینده پارلمان و عضو حزب سوسیال دمکرات آلمان صورت گرفته بود. سلمان رشدی در طی چند ماه اخیر برای زیر فشار گذاشتن جمهوری اسلامی جهت لغو فرمان قتل او، از کشورهای دانمارک، نروژ، اسپانیا و آمریکا دیدار کرده است. او در این دیدارها بارسانه‌های گروهی صاحبیه کرده و در برخی مجامع عمومی ظاهر شده است. سلمان رشدی در مسافرت خود به آلمان با اکثر مقامات بلند پایه و شخصیت‌های ادبی و اجتماعی آلمان ملاقات کرد و با تلویزیون و

**در این شماره:**

- چه عظیم است این دردمنا در صفحه ۷
- فحاشی بیشتر، بی اعتباری بیشتر! در صفحه ۳
- بی اعتمادی و سیاستهای اقتصادی در صفحه ۸

یادداشت

پیرامون آتش سوزی های اخیر  
چرامی سوزانند

آتش سوزی ۲ هفته پیش در چهار راه استانبول که منطقه وسیعی در ناحیه مرکزی تهران را در گرفت و خسارات عظیمی ببار آورد، آخرین نمونه از آتش سوزی هایی است که دست کم از یکسال پیش بدین سو به طور مداوم در تهران و شهرهای بزرگ رخ داده است. آنچه که حساسیت ویژه ای را نسبت به این آتش سوزی ها موجب شده است، تنها توالی و گستردگی و ضایعات عظیمی که بدنبال آنها به بار میاید نیست، بلکه عواملی است که این آتش سوزی ها را موجب می شود.

امروز دیگر تردیدی باقی نمانده است که بخشی از آتش سوزی ها - و معمولاً بزرگترین و پر دامنه ترین آنها - با قصد و تعمد صورت می گیرد و این موضوعی است که دولت و مقامات امنیتی رژیم گاه در پرده و گاه با صراحت بیشتر آنرا مورد تایید قرار داده اند. گفته می شود پس از آتش سوزی اخیر در تهران، مقامات و ارگانهای ایمنی رژیم تشکیل جلسه داده اند و این خود نشانه حساسیت موضوع است. اما تا به حال خبری و ردیابی روشنی از پدید آوردن آتش سوزی ها به دست نیامده و یاد دست کم از طرف رژیم اعلام نشده است.

هدف آتش سوزی ها به طور همده بازارها و انبارها و مغازه های بزرگ تجار و در مواردی نیز مراکز اقتصادی رژیم بوده است. در میان مردم چنین شایع است که حداقل قسمتی از این آتش سوزی ها کار خود بازارها است. در آتش سوزی بزرگ شهر یورماه گذشته در یک انبار لاستیک در تهران، که بزرگترین آتش سوزی سالهای اخیر نامیده شده، این گمان از سوی برخی از خود بازاریان نیز تایید شده. چنین روشهایی به خاطر ایجاد کمبود و زمینه سازی برای افزایش بعدی قیمتها صورت می گیرد. ظاهراً سودهایی که از این طریق حاصل میآید چنان عظیم است که میلیونها خسارات ناشی از به

نامه دفتر سیاسی  
حزب دموکرات کردستان ایران  
به شورای مرکزی سازمان

از سوی دفتر سیاسی حزب دموکرات کردستان ایران، نامه ای با امضای مصطفی هجری به شورای مرکزی سازمان ارسال شده و در آن از همدردی سازمان با حزب دموکرات کردستان ایران بخاطر شهادت کاک دکتر محمد صادق شرفکنندی و سه یار ایشان قدر دانی شده است. با سپاس متقابل از دوستان حزب دموکرات کردستان ایران، در زیر متن نامه راجع می کنیم.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران - اکثریت

بدرودهای فراوان پیام تسلیت شما را بمناسبت شهادت دبیر کل حزب و رفقایاش دریافت کردیم، از همدردی تان سپاسگزاریم. مطمئن باشید جمهوری اسلامی ایران با این اقدامات و حشیانه بجز ننگ و رسوائی بیشتر در میان خلقهای ایران و آزادی خواهان جهان بهره ای نخواهد برد و حزب دمکرات همچنان بصورت پرچمدار مبارزه برای دمکراسی در ایران و خودمختاری در کردستان باقی خواهد ماند.

حزب دمکرات کردستان ایران - دفتر سیاسی - مصطفی هجری

شبکه ترور دکتر شرفکنندی  
ویاران او شناسائی و دستگیر شدند

ادامه از صفحه ۱

بسیار نگر بوده و علیه آنان اسناد و مدارک زیادی موجود است. اسناد و مدارک بدست آمده از این گروه تروریستی بروشنی از دست داشتن مستقیم دولت جمهوری اسلامی در ترور برن می دهد.

به نوشته این اطلاعیه در میان دستگیر شدگان شخصی بنام کاظم دارای وجود دارد که به همراه همسر لبنانی خود ساکن برلین و از سران حزب الله در این شهر بوده است. وی از جمله سرپرستی فرقه جمهوری اسلامی در نمایندگی محصولات کشاورزی شهر برلین را برعهده داشته است. فرد مذکور از طراحان و عاملان حمله به خوابگاه دانشجویان در شهر ماینز بوده است. ترور در منزل این فرد تدارک دیده شده است. در اطلاعیه آمده است که: "در رابطه با پیگرد و دستگیری گروه تروریستی جمهوری اسلامی در

نامه شورای مرکزی  
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
به دادستان کل آلمان

فالیجناب دادستان کل آلمان

چنانکه اطلاع دارید به تاریخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲ چهار نفر از ایرانیانی که تحت پیگرد جمهوری اسلامی ایران قرار داشته اند طی یک عمل تروریستی در شهر برلین در رستوران میکونوس به رگبار مسلسل بسته شده و به نحو فجیعی به قتل رسیدند.

پیگرد پلیس آلمان تاکنون خوشبختانه با موفقیت مواجه بوده و عده قابل ملاحظه ای از شبکه تروریستی وابسته به رژیم حاکم بر ایران در آلمان شناسائی و دستگیر شده اند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هم صدا با همه ایرانیانی که سایه شوم تروریسم جمهوری اسلامی حیات آنان را تهدید می کند از شما صریحاً درخواست می کند:

۱- دادگاهی که برای محاکمه عاملین ترور برلین تشکیل می شود کاملاً هتلی باشد.

۲- به همه کسانی که شواهد و قرائن دال بر دست داشتن عوامل جمهوری اسلامی در سایر موارد ترور مخالفان در دست دارند اجازه داده شود برای ادای توضیح در دادگاه حضور یابند.

انتظار مایان است در این دادگاه که برای محاکمه جنایت برلین تشکیل میشود در اثر توجه به این دو خواسته اثبات شود که سر رشته ترورهای مخالفان جمهوری اسلامی در تهران است. امید ما این است که بر اثر برخورد مسئولانه قضات دادگاه، مسببین این جنایت به مجازات در خور برسند.

باسپاس و احترام

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۷ نوامبر ۱۹۹۲

مناسبات کشور ما  
با آمریکا باید بهبود یابد

ادامه از صفحه ۱

بین المللی استفاده کنند. در شرایطی که این مناسبات، بتواند مجال گفتگو و مصلحت بین دو کشور را برقرار کند، به نفع هر دو کشور خواهد بود. در این رابطه با آمریکا و هر کشور دیگر، در عین حال آن محملهای موثری را فراهم می آورد که اعتراض نیروی وسیع مدافع حقوق بشر در این کشور را به نقض حقوق بشر در میهن ما، شکل تاثیر گذار خود بگذرد.

انتخاب کلینتون فرصتی است برای آنکه کوشش شود تا مناسبات ایران و آمریکا مجدداً برقرار گردد. مناسباتی که بر اصل استقلال سیاسی و تأمین نفع طرفین استوار باشد. نباید اجازه داد که رژیم هوافضایانه امکانات تازه ای را که پدید آمده است، نفی کند. نباید گذاشت که رژیم برای گرم نگه داشتن کوره "مردگ بر آمریکا" که تنها وسیله ای برای تحریک احساسات خام توده حزب الهی و حفظ آنها بعنوان نیروی اطاعت عمل از حاکمیت ولایت فقیه است، مجال فراهم آمده را خود فریاد برآورد. برقراری مناسبات بین کشورمان با آمریکا بگونه هتلی و زیر نظارت افکار عمومی ایرانیان، خواست هر ایرانی آزاده ای است که خواهان استقلال واقعی کشورش می باشد و بر آنست تا در عمل و نه با هوار کشیدن یا هر گونه سلطه طلبی مبارزه کند. چه آن نوع سلطه طلبی که در دوره ریگانسیم وجود داشت و چه آن نوع سلطه طلبی که می تواند در دوره زمامداری کلینتون و یا هر نماینده دیگری از طبقات حاکمه آمریکا بروز و وجود کند.

نهیضت آزادی

کماکان خود را قانونی می داند

مقامات جمهوری اسلامی برای آنکه به سازمان های حقوق بین المللی وانمود کنند که در ایران آزادی هست، از اعلام صریح اینکه نهضت آزادی غیرقانونی است، خودداری می کنند.

تقاضای نهضت آزادی برای فعالیت قانونی ۵ سال پیش به دولت داده شده بود اما رژیم در این مدت از تأیید یا مخالفت با قانونی بودن نهضت آزادی خودداری میکرد. خبر رد تقاضای فعالیت قانونی نهضت آزادی هم نه تنها بلکه از طریق یک مقام امنیتی رژیم به نهضت آزادی اطلاع داده شده است.

بدنبال رد تقاضای نهضت آزادی ایران برای فعالیت قانونی از سوی وزارت کشور جمهوری اسلامی، مهندس مهدی بازرگان رهبر نهضت آزادی اعلام کرد تا زمانی یک دادگاه رسیدگی به مسائل سیاسی با حضور هیات منصفه در مورد ادامه فعالیت نهضت آزادی رسیدگی نکند، نهضت آزادی کماکان خود را قانونی می داند و در حدامکان به فعالیت خود ادامه خواهد داد.

نهضت آزادی در اعلامیه ای که پس از رد تقاضای فعالیت قانونی نهضت انتشار داد علاوه بر اعلام نظر فوق تأکید کرده است که



الکساندر دو بچک

الکساندر دو بچک در گذشت

روز شنبه گذشته هفتم نوامبر الکساندر دو بچک رهبر پیشین حزب کمونیست چکسلواکی در سن ۷۱ سالگی در بیمارستانی در پراگ در گذشت.

دو بچک در سال ۱۹۲۱ بدینا آمد. پدرش یک تاجر بود و خود در جوانی شغل مکانیکی در کارخانجات صنعتی داشت. از او جوانی به جنبش کمونیستی - کارگری روی آورد و در مبارزات مردم کشورش علیه اشغالگران فاشیست در جنگ جهانی دوم شرکت جست.

دو بچک در سال ۶۸ به رهبری حزب کمونیست چکسلواکی رسید و این دوره که بسیار کوتاه بود، مهم ترین و حساس ترین دوره زندگی وی بود. او به مثابه یک اصلاح طلب، شجاعانه به تغییرات چشمگیری در کشورش بسود سبط دمکراتیسم و ایجاد کارائی در سیستم اقتصادی و سیاسی حاکم دست زد که به "بهار پراگ" مشهور شد. اما بهار پراگ عمر

طولانی نداشت و دخالت دستگاه رهبری شوروی پیشین در زمان برژنف و ورود مداخله گرانه نیروهای نظامی پیمان ورشو به چکسلواکی بهار پراگ را خیلی زود به خزان حزن آوری بدل کرد. دو بچک پس از برکناری از قدرت در کشورش باقی مانده اندیشه های بهار پراگ سالها بعد به هنگام روی کار آمدن گارباچف در شوروی دوباره جان گرفت و دو بچک دوباره به صحنه سیاست کشور بازگشت اما این دوره نیز حوادث در بلوک شرق بگونه ای پیش رفت که ایده های آزادیخواهانه در کنار وفاداری به ارزش های سوسیالیستی مجال بروز و نشو و نما نیافت. دو بچک، شجاعت خود را اینبار در ایستادگی بر سر آرمان های سوسیالیستی نشان داد.

دو بچک دو ماه پیش در یک حادثه رانندگی زخمی شده بود و در بیمارستان بستری بود.

### درباره پیام اخیر مسعود رجوی

## فحاشی بیشتر، بی اعتباری بیشتر!

مسعود رجوی رهبر سازمان مجاهدین خلق در پیامی که به مناسبت فاجعه ترور برلین منتشر کرده است گوشه‌ای از سیاست و فرهنگی را که امروز بر این سازمان حاکم شده است به نمایش گذاشته است. سیاست و فرهنگی که هیچ فرصتی را برای بروز کینه‌توزانه‌ترین دشمنی‌ها نسبت به همه کسانی که غیر خودی هستند، از دست نمی‌دهد. سیاستی که، قبل از همه نتیجه رهبری درازمدت آقای رجوی برای سازمان مجاهدین خلق می‌باشد. آقای رجوی در ادامه یک چنین طرز برخوردی فاجعه ترور برلین را نیز دستاویزی ساخته است تا قربانیان این فاجعه و تمام گروه‌های سیاسی رابازشت‌ترین کلمات خودمورد حمله قرار دهد. از این پیام سرتاسر دشنام و تحریف، سازمان ما نیز بی‌نصیب نمانده است. کسی که خود را رهبر مقاومت و یگانه آلترناتیو دموکراتیک می‌شناسد، نمونه‌ای از نگرش خودنسیب به دموکراسی را در برخورد با سازمان ما به

نمایش نهاده است. صرف‌نظر از فحاشی‌های مکرر، وی به شیوه‌ای بسیار ناشایست به تحریف نظرات سازمان ما دست زده است و سخنانی گفته که تنها موجب بی‌اعتباری بیشتر خود اوست. از جمله این تحریف‌ها نسبت دادن نظرات و اعمالی به سازمان ماست که هرگز نظر و عمل سازمان ما نبوده است. رهبر مجاهدین یا آنقدر از مواضع سازمان ما بی‌اطلاع است که به چنین اشتباهاتی دچار می‌شود یا از واقعیات مطلع است و آگاهانه آنها را وارونه جلوه می‌دهد تا زمینه‌های لازم را برای مواضع کینه‌توزانه خود ایجاد کند. رهبر مجاهدین نمی‌تواند از مواضع سازمان ما بی‌اطلاع باشد. از همین رو منطقی این نکته به اذعان متبادر می‌شود که آیا متهم کردن مخالفان به عنوان "جاسوس بچگان" از سوی مسعود رجوی، نوعی واکنش دفاعی او در برابر اتهامی نیست که از سوی میلیون‌ها ایرانی متوجه نقش و عمل او در

عراق است؟ وقتی رهبر یک سازمان در برخورد با مخالفین سیاسی خود از هرگونه احساس مسئولیتی در بیان و وفادار ماندن به واقعیات آزادحس می‌کند، طبیعی است که هواداران آن نیز چنین روشی را پیشه کنند و اخلاق و درستی را به پای امیال و مصالح خود قربانی سازند. نمونه چنین برخوردی مقاله سرتاپا کینه جوینان هواداران این سازمان در بولتن خبری خود علیه سازمان و ظاهراً بهانه نقد مصاحبه چندی پیش مسئول روابط عمومی سازمان است. پاسخ‌گویی به چنین فحاشی‌هایی را ما نه در شان سازمان خود می‌شناسیم و نه کمکی به ایجاد فضای سالم در میان نیروهای سیاسی می‌دانیم. پاسخ به آنچه که مجاهدین به دروغ به سازمان ما نسبت می‌دهند نیز برای ما اهمیتی ندارد، زیرا این سازمان بدلیل همینگونه برخوردها، چنان خود را در میان

### در حاشیه رویدادها

## پیشنهاد انتقال وزارت اطلاعات از دولت به رهبر

بار دیگر موضوع انتقال کنترل وزارت اطلاعات از دولت به رهبر در مجلس شورای اسلامی مطرح گشت. یاور صالحی نماینده ایده در روز ششم آبانماه در نطق شدیدالحنی فساد حاکم بر جمهوری اسلامی را به باد انتقاد گرفت و خواستار گردید که "یک تشکیلات قضایی سالم و مستقل" توسط وزارت اطلاعات تشکیل شود و خود این وزارتخانه زیر نظر رهبری قرار گیرد. صالحی گفت: "دزدیهای کلان تحت نام پورسانتا از همین خریدها برگرفته این ملت تحمیل می‌شود. اگر یک تشکیلات قضایی سالم و مستقل در اختیار وزارت اطلاعات قرار بگیرد و خود وزارت اطلاعات یک سازمان تویتر بدل شود که مستقیماً زیر نظر رهبری قرار بگیرد قطعاً خواهید دید اختلاس، رشوه و

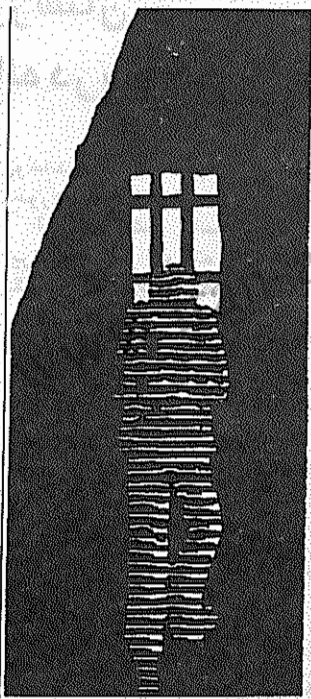
## اخراج استاد تاریخ اسلام از دانشگاه

به نوشته روزنامه کیهان دکتر جعفر پور استاد تاریخ اسلام دانشگاه آزاد اسلامی تبریز از دانشگاه اخراج شد. دکتر جعفر پور هنگام تدریس جنگهای اسلام به شوخی اظهار داشت که به تازگی "مخترعین کافر" وسایل پیشرفته الکتریکی کشف کرده‌اند که به کمک آن قادر هستند جوای نامطبوع و سوزنده جهنم را تصفیه و به بهشت منتقل کنند و هوای لعین و دل‌نشین بهشت را به جهنم هدایت کنند. بنابراین بهشتیان در عذاب و جهنمیان در کمال آرامش در آخرت زندگی خواهند کرد. او افزود که از آواز خوش‌هایده در جهنم اهل دوزخ شاد و بشاش می‌شوند. بدنبال این مطلب یک دختر دانشجوی با خنده گفت: استاد، هایده که گناهی نداشت، او یک هنرمند بود. دانشجویان حزب‌اللهی از شوخی استاد بشدت برآشفته شده و به دفتر فرهنگ اسلامی و کمیته انضباطی دانشگاه آزاد اسلامی شکایت کردند. پرونده این استاد جهت رسیدگی به سازمان مرکزی دانشگاه در تهران انتقال یافت و این سازمان تصمیم به اخراج استاد به علت "توهین به مقدسات و اعتقادات مسلمانان" گرفت. در خردادماه گذشته نیز یک استاد دانشگاه تهران بنام زرین کلک که از آزادی روابط میان دختران و پسران جانبداری کرده بود، اخراج گردید. گزارش‌هایی که در مطبوعات درج می‌شود حاکی از آنست که فضای دانشگاه‌های کشور بزبان

## علیه نقض حقوق بشر در ایران

ادامه از صفحه ۱

مواجه بود. مهرپور در گزارش خود باز هم حقایق هولناک درباره اعدام بیرحمانه هزاران زندانی سیاسی در سال ۱۹۸۸ را مسکوت گذاشت. او گفت از تجدید مذاکره با کمیسیون حقوق بشر خرسند است و دولت متبوع خود را نسبت به حفظ این ارتباط متعهد میدانند. قرار است، مذاکرات ۶ ماهه دیگر در مقر سازمان ملل در نیویورک ادامه یابد. موارد نقض حقوق بشر در ایران محدود به یک یا چند مورد نیست جمهوری اسلامی ایران در صدرلیست کشورهایی قرار دارد که حقوق بشر در بیشترین موارد و به خشن‌ترین شکل نقض میشود. از نقض حق تشکیل



آزادانه‌ی انجمن‌های صنفی گرفته تا مجرم دانستن بهائیان، تا مجبور کردن زنان به پیچیدن خود در "جلباب اسلامی" تا بیرحمانه‌ترین اشکال شکنجه و اعدام سالیانه صدها هزاران زندانی سیاسی و غیرسیاسی. اکنون به همت فعالان سازمان‌های مخالف رژیم، که همه زیر سرکوب و درخطر ترور قرار دارند، و به همت هزاران هزار از هم میهنانی که در اقصی نقاط کشور طعمه و یا شاهد موارد نقض حقوق بشر هستند، صدای ایرانیان به گوش جامعه جهانی میرسد و در تریبون‌های سازمان ملل انعکاس می‌یابد. افشای موارد نقض حقوق بشر

### علی خامنه‌ای:

## "حقوق بشر نیست اینها، این شعار مفتضحی است"

ادامه از صفحه ۱

عبارتست از اینکه قدرت‌های مستکبر جهانی و در رأس آنها دولت ایالات متحده آمریکا برای ملت‌های دیگر حق حرف زدن و اظهار نظر کردن هم قابل نیست... اما اگر ملتی نظری برخلاف این مطالب ابراز بکند و یا دولت مردانی در دنیا مخالفت کنند با استبداد و دیکتاتوری، آن دولت و آن ملت را به انواع اتهامات متهم می‌کنند. علی خامنه‌ای حقوق بشر را یکی از این تعصبات دانست و گفت: شما می‌بینید به جمهوری اسلامی ایران چه تعصباتی را شروع کردن به زدن. همین تعصبات نقض حقوق بشر و چه و چه چیزهاییکه ساخته و پرداخته مغزهای خبیث تبلیگران آنهاست... این شخص جدیدی که در صحنه سیاست آمریکا ممکن است روی کار بیاید، با فاصله چند روز با شعار حقوق بشر را مطرح خواهد کرد و دنیا شاهد تکرار همین صحنه مفتضح خواهد بود که دیگران را متهم کنند به نقض حقوق

## زیردریایی اتمی امریکا وارد...

ادامه از صفحه ۱

نمی‌تواند توجیه‌گر جنایاتی باشد که حکومت اسلامی تحت رهبری علی خامنه‌ای نسبت به مردم ایران مرتکب شده و می‌شود. آنچه که امروز در مجامع بین‌المللی از جمله در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل بعنوان نقض حقوق انسانی مردم ایران مطرح می‌شود جز اندکی از فریاد دادخواهانه ۱۴ ساله مردم ایران برای رهایی از استبداد و ستیزی حکومت اسلامی است و انعکاس این فریاد در دنیا نه "زورگویی قدرت‌های بزرگ" که حاصل پیکار و تلاش صدها هزار ایرانی آزادیخواه و ظلم ستیز در داخل و خارج کشور است. علی خامنه‌ای به هر دست‌آویزی که "آویزان" شود در انظار جهانیان متهم به اعدام و ترور مخالفان سیاسی خود، شکنجه و آزار زندانیان و سرکوب و پیگرد آزادیخواهان و ادیب و آزارزنان و مردان و جوانان ایرانی است.



# از میان رویدادها

## انتخابات

### شوراهای شهر برگزار می شود

نوری وزیر کشور خواستار برگزاری انتخابات شوراهای شهر گردید. وی که در سمینار معاونین همرازی استانداری‌ها سخنرانی می‌کرد، تاکید نمود در پی انجام این انتخابات عزل و نصب شهرداران توسط شوراهای شهر صورت خواهد گرفت.

نخستین انتخابات شوراهای شهر در سال ۱۳۵۸ انجام شده بود و پس از پایان دوره دو ساله اولین شورای شهرهای کشور، انتخابات مجدد بخاطر مخالفت وزارت کشور و دولت وقت صورت نگرفت. پس از آن در شرایط فقدان شوراهای شهر، وظایف آنان را از جمله در نصب و عزل شهرداران، وزارت کشور راسا

## جمهوری اسلامی از فرانسه وام بیشتری تقاضا دارد

بدنبال سفر وزیر بازرگانی فرانسه به تهران، رادیوی بین‌المللی فرانسه در برنامه فارسی خود مصاحبه‌ای کوتاه با او انجام داد. در این مصاحبه وزیر بازرگانی فرانسه اظهار داشت که جمهوری اسلامی از دولت فرانسه تقاضای وام بیشتر و درازمدت‌تر کرده است. او گفت دولت ایران طرح ۵ ساله‌ای در زمینه توسعه و مدرن سازی اقتصاد ایران آغاز کرده که برای این طرح نیاز به سرمایه‌های عظیم دارد و در جستجوی سرمایه گذار است.

وزیر بازرگانی فرانسه تاکید کرد که برای قبول درخواست ایران مسئله ضمانت‌ها باید حل شود. دولت فرانسه خواستار ضمانت‌های لازم برای سرمایه‌گذاری‌های احتمالی است. او در پاسخ به این سؤال که «وضع اقتصادی ایران را چگونه می‌بینید؟» اظهار داشت که وضعیت اقتصادی ایران رو به بهبود است اما مشکلات مالی موجود مانعی جدی برای دولت ایران می‌باشد.

## سر نوشت اسیران جنگ هنوز مبهم است

وزیر دفاع عراق در دیدار با سرپرست یک هیات ازمایی صلیب سرخ به بغداد، اعلام داشت که در کشورش دیگر هیچ اسیر ایرانی وجود ندارد. وی افزود با وجود این هنوز ۲۰ هزار عراقی در اسارت ایران هستند. به رغم این گفته مقام عراقی، جمهوری اسلامی میگوید رژیم عراق هنوز ۵ هزار ایرانی را در اسارت خود نگهداشته است و آزادی اسیران عراقی مشروط به راهیابی این هده است. در همین حال جمهوری اسلامی در این ماه اقدام به آزادی ۲۰۰ اسیر عراقی کرد. جمهوری اسلامی این حرکت را ناشی از ملاحظات انسانی دانست. دو رژیم ایران و عراق هم چنین بر سر مبادله اجساد گروهی از کشته شدگان جنگ توافق کردند. با این توافق طرفین در مرز خسروی ۲۲ جسد را مبادله نمودند. سر نوشت اسیران جنگی یکی دیگر از پیامدهای زشت و دردناک جنگ است که وجه المصلحه بازی‌های سیاسی رهبران دو رژیم ایران و عراق شده است. آنها بجای اقدامی موثر برای رسیدگی به دعوای طرفین، هر از چندگاه طی اقدامی نمایشی گروه کوچکی را رها می‌کنند و یا جسد چند کشته را پس می‌فرستند.

## اعتراض جمعی دانشجویان پرستاری در تهران

دانشجویان پرستاری و مامائی دانشگاه‌های تربیت مدرس، تهران، بهشتی (ملی ایران) و علوم پزشکی ایران طی یک حرکت هماهنگ اقدام به اعتراض به مصوبه اخیر وزارت بهداشت و درمان کردند. وزارت بهداشت و درمان هفته پیش از این حرکت طی بخشنامه‌ای بیمارستان‌های وابسته به

## در گذشت هنرمندی برجسته

حبیب‌الله بدیعی آهنگساز نامی ایران در گذشت. بدیعی استاد برجسته موسیقی ایرانی بود که هنرمندان بسیاری از او آموزش دیدند. ساخته‌های بدیعی جای خاصی در گنجینه موسیقی معاصر ایران دارند. در مراسم ختم استاد بدیعی عده بسیاری شرکت داشتند این مراسم از سوی جامعه هنری کشور برپا شد. در تهران هم چنین اعلام شد که ابوالقاسم حالت شاعر و طنز

## ۶ روزنامه برای هر ۱۰۰۰ ایرانی

لاریجانی وزیر جدید ارشاد در مصاحبه‌ای با خبرگزاری جمهوری اسلامی اعلام داشته است که تیراژ کل نشریات در سراسر کشور ۹۰۰ هزار است. با این حساب برای هر ۱۰۰۰ ایرانی، روزانه ۱۶ عدد روزنامه چاپ می‌شود. این نسبت در کشوری مانند ژاپن به ازای هر ۱۰۰۰ نفر ۷۰۰ عدد روزنامه است. لاریجانی هم چنین با اشاره به پائین بودن تیراژ کتاب در

## کشف گورستان وسیع ۷ هزار ساله در سیستان

پوشانده‌های به هم آمیخته در محل "شهر سوخته" در سیستان، باستان‌شناسان و محققین ایرانی موفق شدند وسیع‌ترین و سالم‌ترین گورستان باستانی جهانی را کشف کنند. این گورستان به ۷ هزار سال پیش تعلق دارد و مخوطه‌ای به وسعت ۲۱ هکتار را در حاشیه شهر سوخته رادربرمی‌گیرد. در این گورستان ۳۵-۲۵ هزار قبر و در هر قبر ۴-۲ جسد وجود دارد. این گورستان از آن رو که بالابه ضمیمی از نمک

## چند خبر کوتاه

\* مامورین شهرداری تهران

در حمایت نقرات مسلح نیروهای انتظامی در ابراهیم آباد تهران بیش از ۸۰ واحد مسکونی را منهدم نمودند. آنها همچنین در خیابان خلیج ۱۰۰ واحد مسکونی و تجاری را ویران کردند. روزنامه‌ها به مقاومت احتمالی ساکنین این محلات اشاره‌ای نکرده‌اند.

\* بارندگی شدید و سیل در دو استان مازندران و گیلان خساراتی به بار آورد. در اثر سیلاب ۱۳۵ واحد مسکونی آسیب دید.

\* پنج تن از پزشکان متخصص جمهوری آذربایجان جذب بیمارستان‌های آذربایجان شرقی شده‌اند. مدیر عامل سازمان منطقه‌ای بهداشت این استان با اعلام خبر فوق افزود که ۲۰ تن دیگر از پزشکان متخصص جمهوری آذربایجان خواستار اشتغال در مراکز درمانی این استان هستند.

\* بیش از چهار سال پس از پایان جنگ هنوز ۱/۱۱۳ میلیون تن از هموطنان جنگ زده دور از زاد و بوم خود در دیگر نقاط کشور در محاجرت بسر می‌برند. از این عده ۴۶۰ هزار تن ساکن اردوگاهها هستند.

## در هر هکتار

### از محلات فقیر نشین تهران ۵۰۰ نفر زندگی می‌کنند

همومی، تاسیسات تفریحی، بهداشتی، تجاری و فیره تنها ۲۰ متر مربع است. شهردار تهران حل برخی از مشکلات اساسی پایتخت نظیر مسئله ترافیک و آگورا مشروطه تخصیص سرمایه هنگفتی دانست

در هر هکتار از محلات فقیر نشین تهران ۵۰۰ نفر زندگی می‌کنند

در شهر تهران یک میلیون واحد ساختمانی وجود دارد. ۴۵۰ هزار واحد ساختمانی یک طبقه، ۳۵۰ هزار دو طبقه و ۱۰۰ هزار واحد سه طبقه هستند.

شهردار تهران با اعلام ارقام فوق گفت افزایش تراکم مسکن در واحد سطح و تراکم جمعیت در تهران اجتناب ناپذیر است. وی با اشاره به مشکل مسکن شهروندان تهرانی و با ابراز مخالفت با بنای ساختمان‌های کم ارتفاع اظهار داشت در صورت تبدیل واحدهای ساختمانی یک طبقه موجود به دو طبقه مشکل مسکن مرتفع می‌شود!

شهردار تهران که در نشست انجمن فارغ التحصیلان دانشکده فنی دانشگاه تهران سخن می‌گفت هم چنین اعلام داشت در مناطق شمالی تهران در هر هکتار ۶۰ نفر سکونت دارند. در حالی که در همین مساحت در مناطق فقیر نشین به طور متوسط ۵۰۰ نفر زندگی میکنند. این بدان معنی است که در نقاط فقیر نشین سهم هر یک نفر از مسکن، معابر



## صدور مواد اولیه بمب شیمیایی به ایران

روزنامه "فولکس کراوت" چاپ هلند خبر داد که دو شرکت تهیه کننده مواد شیمیایی این کشور در سال ۱۹۹۰ تعداد ۲۷۵ بشکه از یک نوع ماده که در تهیه بمبهای شیمیایی به کار می‌رود به ایران فروختند. این ماده شیمیایی ماده اصلی در تهیه گاز سمی مشهور به "گاز خردل" است. مقامات هلندی حساسیتی نسبت به فروش این ماده شیمیایی نشان داده‌اند و میگویند دلیلی وجود ندارد که جمهوری اسلامی از آن در ساختن سلاح شیمیایی استفاده کند. دولت هلند تلاشهای جدیدی را برای گسترش مناسبات خود با ایران آغاز کرده است. مدتی قبل "وان در بروک" وزیر خارجه هلند در دیدار با ولایتی در سازمان ملل قول داد که نقش سفارتخانه‌های ایران و هلند را که بدنبال بحران سلمان رشدی به سطح پائینی تنزل یافته بود به حالت عادی بازگرداند. وزیر خارجه هلند در پاسخ به انتقادهای مطبوعات اظهار داشت که هلند آخرین کشور بازار مشترک است که به بهبود روابط با ایران روی آورده و در این زمینه از سایرین عقب است.

## وزیر دفاع چین در تهران

روز ۲۸ اکتبر نخستین دور مذاکرات اکبر ترکان وزیر دفاع جمهوری اسلامی و "چین جی وی" وزیر دفاع چین در تهران آغاز شد. وزیر دفاع چین که در راس یک هیات بلندپایه نظامی وارد تهران شده است، در دیدار با وزیر دفاع جمهوری اسلامی با

اشاره به روابط دیرین چین و جمهوری اسلامی، همکاری گسترده دو کشور در صحنه‌های بین‌المللی را به نفع صلح و ثبات جهان دانست. شایان ذکر است که بخش عمده همکاری‌های میان چین و ایران، در رابطه با امور نظامی و خریدهای تسلیحاتی است و چین یکی از منابع عمده تهیه سلاح برای حکومت جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته بوده است.

یک ماه پیش از سفر وزیر دفاع چین به تهران، هاشمی رفسنجانی در پکن بود و گفته می‌شود ورود هیات عالی رتبه نظامی چینی به تهران در ارتباط با توافقاتی است که به هنگام اقامت رفسنجانی در پکن میان دو دولت صورت گرفته است. رفسنجانی در سفر به پکن هم چنین قرارداد خرید دو راکتور کوچک هسته‌ای را نیز با چین به امضا رساند.

# در پی دیدار سلمان رشدی از آلمان جایزه قتل باز هم بالاتر رفت

ادامه از صفحه ۱

ایران در آمده اند و پول و امکانات در اختیار آنان قرار گرفته است، تعدید می شود. در این برنامه تلویزیونی یک مقام دولتی آلمان اظهار داشت که ما خواهان دوستی با رژیم ایران هستیم اما این مسئله تنها زمانی امکان پذیر خواهد بود که رژیم تهران یک راه انسانی در پیش بگیرد. وی با استناد به منشور حقوق بشر خواستار گردید تا لوفو فرمان قتل سلمان رشدی داد و ستد بازگانی با حکومت اسلامی متوقف شود. وی خواستار آزادی زندانیان سیاسی در ایران گردید. رئیس انجمن قلم آلمان نیز دولت بن را بخاطر عکس العمل نشان ندادن در مقابل فرمان قتل سلمان رشدی محکوم کرد.

نمود: "احضار سفیر جمهوری اسلامی و توضیحات روشن و مستدل" دیتر کاتروپ "معاون وزیر خارجه ما به او، به معنی پشتیبانی دولت آلمان از سلمان رشدی است و نشان می دهد ما خیال نداریم چنین تصویری در آلمان ایجاد شود که مثل کبک سر خود را آرام زیر برف نگه داشته ایم". حزب سوسیال دمکرات آلمان نیز موسویان را متهم به طرفداری هلنی از فرمان قتل رشدی نمود و خواهان اخراج او گردید. سفیر جمهوری اسلامی بعد از این دیدار به خبرنگاران گفت فرمان ترور رشدی توسط دولت و یا یک کشور صادر نشده است. بنابراین هیچکس صلاحیت لغو آن را ندارد. سفارت ایران در بن نیز طی بیانیه مطبوعاتی ضمن اعلام این نکته که دولت ایران ترور ریس را در هر شکل و مکانی مردود می شمارد، تصریح کرد فرمان قتل رشدی نه یک مسئله مربوط به ایران بلکه اسلامی است. بدنبال این اطلاعیه، اتحادیه نویسندگان آلمان طی بیانیه ای خواستار اخراج موسویان از آلمان گردید.

مسافرت رشدی به آلمان موجب شد که میزان جایزه قتل او باز هم بالاتر برود. شیخ صافی سرپرست بنیاد ۱۵ خرداد اظهار داشت که از این پس به کسی که سلمان رشدی را ترور کند مبلغ بیشتر از ۲ میلیون دلار جایزه ای که قبلا تعیین شده بود، پرداخت خواهد شد. این خبر را روزنامه جمهوری اسلامی با تیتراژ درشت چاپ کرد و توضیح داد هلت بالا بردن مبلغ جایزه، دیدار سلمان رشدی از آلمان و تلاش او برای بسیج افکار عمومی جهت لغو فرمان قتلش است. قبلا میزان جایزه یک میلیون دلار تعیین شده بود و سال گذشته در سالگرد صدور فتوا به دو میلیون

دلار افزایش پیدا کرد. اعلام افزایش جایزه موجب اعتراض دولت بریتانیا گردید. سخنگوی این دولت تصمیم بنیاد ۱۵ خرداد را محکوم کرد.

سلمان رشدی از زمان صدور فتوای قتل وی توسط خمینی کوشیده است که دولت های غربی را وادار سازد که جمهوری اسلامی را تحت فشار قرار دهند تا فتوای قتل را لغو نماید. اما او تاکنون پاسخ مساعدی نشتیده است. "برنارد هانری لوی" فیلسوف فرانسوی همزمان با سفر رشدی به آلمان اعلام کرد که مقامات فرانسوی تا حالا سه بار تقاضای مسافرت رشدی به فرانسه را رد کرده اند. تاکنون اتحادیه های نویسندگان سازمان های حقوق بشر و برخی احزاب مترقی از رشدی حمایت فعال بعمل آورده اند. دول اروپا بخاطر حمایت از سلمان رشدی حاضر نیستند به مناسبات خود با جمهوری اسلامی خدشه وارد آورند چرا که از مبادلات اقتصادی با ایران سودهای کلانی می برند و سران حکومت اسلامی نیز از این امر بخوبی آگاهند و به همین خاطر به تلاش خود جهت کشتن سلمان رشدی ادامه می دهند. مدتی قبل مترجم ژاپنی کتاب آیات شیطانی به قتل رسید و مترجم ایتالیایی آن نیز مورد حمله چاقو کشان قرار گرفت. اقدامات تروریستی خود را در کشورهای اروپایی ادامه می دهند.

سلمان رشدی مسافرت خود را به آلمان موقتیت آمیز خواند و اظهار داشت که دولت آلمان و انگلیم دبیر کل حزب سوسیال دمکرات آلمان از وی حمایت صدرصد بعمل آورده است.

## سفر دمیرل به تهران از سردی روابط ایران و ترکیه نکاست



ادامه از صفحه ۱

شوروی و کوشش و رقابت ایران و ترکیه برای توسعه نفوذ خود در جمهوری های نوپا آغاز شد و باتوقیف کشتی کاپ مالین از سوی ترکیه تشدید یافت. این کشتی در اجاره جمهوری اسلامی بود و ۹ ماه پیش از بلغارستان به ایران اسلحه حمل می کرد.

دیدار دمیرل از تهران و ملاقات و گفتگو با مقامات جمهوری اسلامی که به تصد فلبه به این قضای سرد در مناسبات دو کشور صورت گرفت، از ماهها پیش تدارک شده بود. اما بنظر می رسد که این دیدار برنامه ریزی شده موقتیت چندانی نداشته است. در بیانیه مشترکی که در پایان سفر دمیرل امضا شده و در روزنامه ها انعکاس مختصری یافته است به جای توافقات طرفین تنها از آمادگی دو طرف برای بهبود و ارتقاء مناسبات دو کشور سخن رفته است. روزنامه های ترکیه نیز سفر دمیرل را ناموفق خواندند و نوشتند دمیرل به توافقات چندانی با مقامات تهران دست نیافته و دست خالی از سفر برگشته است. واکنش روزنامه های تهران هنگام اقامت دمیرل نیز سرد بود.

دمیرل موقع ورود به تهران در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت کرد و در برابر سئوالات با لحنی نسبتا تند خبرنگاران ایرانی درباره ماجرای کشتی کاپ مالین، ورود ارتش ترکیه به داخل خاک عراق و حضور نیروهای نظامی غربی در داخل ترکیه تراز گرفت. تقریبا همین سئوالات در مصاحبه دیگری در پایان اقامت نخست وزیر ترکیه در تهران بار دیگر مطرح شد. دمیرل در این مصاحبه درباره ورود ارتش ترکیه به شمال عراق گفت: اگر در کشوری ترور وجود داشته باشد می توان از همه امکانات استفاده کرد و دنیا این حق را به رسمیت شناخته است. وی درباره توفیق کشتی کاپ مالین گفت این کشتی طی چند روز آینده آزاد می شود. دمیرل در مصاحبه پایانی خود

اکنون پیش از یکسال است که مجلس شورای اسلامی لایحه ای را تصویب کرده است که حق وکلای مدافع را در تشکیل تشکل صنفی خاص خود به آشکارترین شکل خود تضییع می کند. این قانون حکم می کند که اعضای هیات مدیره کانون وکلای نباید عضو هیچ یک از "فرق و گروه های ضاله" و یا "کارگزاران به رژیم سابق" باشند. قانون فوق به صراحت می گوید وکلای مدافع حق ندارند کسانی را به عنوان هیات مدیره خود انتخاب کنند که مقامات رژیم آنها را تأیید نمی کنند. و این حکم نه تنها یکی از موارد نقض خشن حقوق بشر، بلکه از آشکارترین موارد نقض قانون اساسی همین رژیم اسلامی نیز هست. طبق اصل ۲۶ این قانون تشکیل انجمن صنفی آزاد شناخته شده است و حتی اعضای شورای نگهبان که ارتجاعی ترین مفسران قانون اساسی جمهوری اسلامی به شمار می روند تا امروز مدعی نشده اند که معنای این "آزادی" اینست که "صلحیت" کسانی که به عضویت این انجمن هادری می آیند باید به تأیید مقامات رژیم برسد.

قانون اصلاح نحوه تشکیل "کانون های" وکلای و قیاحانه ترین موارد نقض نه تنها حقوق بشر بلکه قانون اساسی جمهوری اسلامی است. اکنون بار دیگر موضوع تأمین حق انتخاب آزادانه وکیل مدافع برای هر متهم و نیز تأمین حق وکلای مدافع در دفاع از حقوق صنفی خود اهمیت ویژه ای کسب کرده و به یکی از فرقه های مهم مبارزه علیه موارد نقض حقوق بشر در ایران تبدیل شده است. انعکاس این خواسته در گزارش اخیر سازمان حقوق بین الملل بازتاب مبارزه آزادیخواهان ایران است. این مبارزه می تواند و باید تا تسلیم کامل جمهوری اسلامی به پذیرش حق مسلم وکلای مدافع به تشکیل آزادانه انجمن صنفی خود ادامه یابد.

در اینجا بخشی از گزارش اخیر حقوق بین الملل (ژوئیه ۹۲) که به موضوع کانون وکلای باز می گردد جهت اطلاع خوانندگان به چاپ می رسد. اصول اولیه نقش وکلای که توسط کنگره هشتم سازمان ملل برای جلوگیری از تبه کاری و نحوه رفتار با متخلفین اتخاذ شده، مشعر است بر: رعایت کامل موازین حقوق بشر و اصول آزادی های عمومی در

هم چنین گفت: اتصال شبکه های برق دو کشور به یکدیگر، انتقال گاز طبیعی ایران از طریق ترکیه به اروپا، آکو و ایجاد بانک آکو، کاهش تعرفه های گمرکی و هم چنین همکاری های بیشتر ایران ترکیه و پاکستان در بخش خصوصی از محورهای اقتصادی گفتگوها با مقامات ایرانی بود.

دمیرل در این مصاحبه خبر داد که در ماه نوامبر وزرای خارجه ایران، ترکیه، سوریه و احتمالا عربستان سعودی طی اجلاس در مورد وضعیت شمال عراق به بحث و مذاکره خواهند نشست. نخست وزیر ترکیه گفت: دولت ترکیه در خصوص شمال عراق حساسیت زیادی نسبت به ایجاد حکومت "کرد" دارد و ما در این ستر شاهد حساسیت مقامات ایران نیز بودیم.

# "کانون وکلای" یک "انجمن صنفی" است

حرقه خود بپردازند هیئت مدیره چنین انجمن هائی توسط اعضا آن انتخاب می شود و تمام وظائف خود را بدون دخالت های خارجی اعمال خواهد کرد.

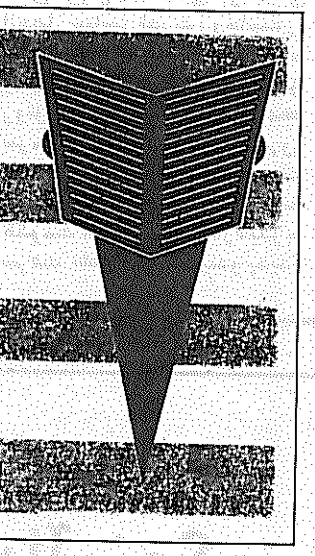
زمینه های مختلف اهم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، یا مدنی و سیاسی، ایجاب می کند که هر کسی بتواند از خدمات قانونی یک دستگاه مستقل حرفه ای برخوردار شود. و باز می افزاید: وکلای مجاز هستند مبادرت به تشکیل انجمن های مستقل حرفه ای کنند که منافع آنها را نمایندگی کرده و در جهت پیشبرد آموزش های حقوقی بکوشند و به حفظ

حکومت اسلامی متوقف شود. وی خواستار آزادی زندانیان سیاسی در ایران گردید. رئیس انجمن قلم آلمان نیز دولت بن را بخاطر عکس العمل نشان ندادن در مقابل فرمان قتل سلمان رشدی محکوم کرد.

مسافرت رشدی به آلمان موجب شد که میزان جایزه قتل او باز هم بالاتر برود. شیخ صافی سرپرست بنیاد ۱۵ خرداد اظهار داشت که از این پس به کسی که سلمان رشدی را ترور کند مبلغ بیشتر از ۲ میلیون دلار جایزه ای که قبلا تعیین شده بود، پرداخت خواهد شد. این خبر را روزنامه جمهوری اسلامی با تیتراژ درشت چاپ کرد و توضیح داد هلت بالا بردن مبلغ جایزه، دیدار سلمان رشدی از آلمان و تلاش او برای بسیج افکار عمومی جهت لغو فرمان قتلش است. قبلا میزان جایزه یک میلیون دلار تعیین شده بود و سال گذشته در سالگرد صدور فتوا به دو میلیون

## بخش هایی از ماده ۵ قانون «نحوه اصلاح کانون های وکلای»

شعب رسیدگی کننده در موارد زیر حکم به انفصال دائم از وکالت دادگستری می دهند:  
۱- شاغلین مشاغل زیر در رژیم سابق: وزرا و معاونین آنها، نمایندگان مجلس شورای ملی و سنا بعد از خرداد ۱۳۴۲، سفرا و استانداران بعد از خرداد ۱۳۴۲ در مجلس موسسان سابق  
۲- مامورین و منابع ساواک منحل  
۳- دبیران حزب منحل رستاخیز  
۴- عضویت در تشکیلات فراماسونری و سازمان های وابسته به آن و عوامل صهیونیسم  
۵- افرادی که موجب تحکیم و تقویت تماتی رژیم گذشته بوده اند  
۶- قاچاق، ارتشاء، اختلاس... و جرایم منافی عفت و شرب خمر  
۷- اعتیاد به مشروبات الکلی و مواد مخدر  
۸- عضویت در فرق ضاله یا عضویت در سازمان هایی که مرامنامه آن های غیر قانونی کرده اند... (وکسانی که) عضو... فرق ضاله یا عضو... سازمانهای (باشند) که مرامنامه آن مبتنی بر نفی ادیان الهی باشد... حساب این قانون، وکلای که به فساد اخلاق اشتغال دارند نیز مشمول پاکسازی خواهند شد و این می تواند وسیله ای برای اعمال نظریات سیاسی باشد.



آزادی وکلای مدافع در انجام وظائفشان، بی آنکه نگران ارباب و فشار مقامات امنیتی بوده باشند، به عقیده حقوق بین الملل، از ضرورت های اولیه دفاع موثر از متهم است. نبود کانون مستقل وکلای دادگستری موجب بی اعتباری عملی این اصل و افزایش نگرانی حقوق بین الملل نسبت به روند محاکمات غیر عادلانه در جمهوری اسلامی ایران است.

## درباره اعتصاب کارگران ذوب آهن اصفهان

مدیر سابق داده بود و اکنون، او دیگر بر سر کار نیست. کارگران تصمیم می گیرند اعتصاب را از سر بگیرند. ولی حرکت آن ها بلافاصله با سرکوب مواجه می شود. افرادی که در بخش های مختلف این موسسه بزرگ صنعتی دست به اعتراض می زنند و تمایل به اعتصاب از خود نشان می دهند، مورد آزار قرار می گیرند و موی سرشان تراشیده می شود و پس از چند روز شکنجه شدن آزاد می شوند.

نظر گرفته نمی شود، کارگران خواهان انزوده شدن مبلغ مذکور بر حقوق ماهانه شان شده، و در پی گیری این خواست دست به اعتصاب می زنند. مدیر موسسه مذکور به کارگران اعتصابی قول می دهد که در عرض یک ماه به خواست آن ها رسیدگی شود. در این فاصله یک ماهه، مدیر مربوطه برکنار و شخص دیگر بجای وی منصوب می شود. وقتی که کارگران پس از یک ماه به مقامات مراجعه می کنند، با این جواب روبرو می شوند که قول را

مدتی پیش کارگران ذوب آهن اصفهان در یک اقدام اعتراضی دست به اعتصاب زدند. خبر این اقدام اعتراضی توسط نشریه ما نیز منعکس شد. در هفته های گذشته اخباری در مورد هلت این اقدام و پیامدهای آن بدست آمده است که ذیلا از نظر خوانندگان می گذرد. کارگران ذوب آهن اصفهان علاوه بر حقوق ماهانه خود، مبلغی به نام اضافه کاری دریافت می کردند. از آنجائی که این مبلغ در محاسبه حقوق بازنشستگی در

# منشأ اصلی اختلاف در حکومت

بمژاد کریمی

پرسش سیاسی روز همچنان آنست که نتیجه اختلافات در مردم حکومتی چه خواهد بود، اختلاف‌های خامنه‌ای و رفسنجانی بر سر چیست و از کجا می‌آید میگیرند؟

اختلافات، بر سر سیاست‌ها و روش‌هاست. اما، آنها از اینجا می‌آید نمی‌گیرند که هر یک از حامیان اختلاف به دفاع از منافع این یا آن بخش اجتماعی برخاسته‌اند. بلکه از آنجاست که آنها هر یک از جایگاه معینی که در نظام دارند به فکر حفظ نظام هستند. اختلافات آنها، در واقع فقط بر زمینه فعل و انفعالات بین مطالبات نظام و مصلحت‌های دولت نظام امکان بروز یافته و بر همین بستر هم مدام سرهم گرفته‌اند. موضوع از اینجا است:

نظام جمهوری اسلامی، قبل از همه تبلور و شکل مادی نظریه حاکمیت دین بر دولت و سیادت ولایت فقیه و روحانیت بر جامعه است. این نظام تمامیت تمامیت خود را مدیون تمامیت مصلحت‌آبی و آتی همین روحانیت است. پس، این نظام را چنان رهبری لازم است که از بیشترین اعتماد اکثریت روحانیت برای افعال حاکمیت فقهی و مقابله با هرگونه تضعیف آگاهانه یا ناآگاهانه ولایت فقیه از سوی خودی‌ها و غیر خودی‌ها برخوردار باشد. رهبری که، وظیفه او مقدم بر همه در اینست که همواره بیند روندها خلاف مصلحت حاکمیت فقه و روحانیت پیش می‌روند، ترمز ولایت فقه را بکشد و فرمان ایست فقهی را صادر کند. اما نظام "اسمانی" ولایت فقیه مجبور است سیادت احکام مندرس و هزار و اندی ساله فقهی را بر زمینه جامعه امروزی پیش برد. و از این رو به یک دستگاه دولتی نیازمند است که بنا به ضروریات زمان علی العموم باید یک دولت مصلحت‌گرا و

بمیزان معینی مستقل از الزامات فقهی و مقررات دینی باشد. منشأ اصلی اختلاف راس نظام و دولتمدار نظام هم درست در همین دوگانگی است.

در ابتدای انقلاب، خمینی بمثابه رهبر نظام بناچار تمسیت امور را به مسلمان مصلحت‌گرایی سپرد که از اول هم بنا بر مصلحت‌گرایی داشت. تضاد خیلی زود سر برآورد و دولت نظام، قربانی مصالح نظام شد. سپس نوبت قربانی شدن بنی‌صدر رسید که در دولتمداری به هر اذن ولی فقیه لبیک نگفت. در دوره جنگ، نظام اسلامی برای پیشبرد جنگ اسلامی به دولتی نیاز داشت که محور همه سیاست‌های آن پاسخ به الزامات جنگ بود. جنگ برای "آسمان" و جنگ بر روی زمین، یکی بود و خمینی، مصالح نظام را در مصالح جنگ تغییر می‌کرد و هم از این رو، اطاعت از دولت خدمتگزار جنگ را در راس همه احکام اسلام قرار می‌داد.

در پی اتهام جنگ ویرانگر بنشست ساله، نظام در پاسخ به ضرورت ناگزیر مقابله با بحران کثیرالجوانب حاکم بر کشور، به تدبیر نشست و تصمیم گرفت. در ساختار حکومتی دست برد تا که مقام تشریفاتی رئیس جمهوری را حذف کند و جای نخست‌وزیر را یک رئیس جمهور مقتدر صاحب کابینه بگیرد. یک رهبر و یک مدیر اجرایی، وقتی خمینی مرد، از حسین او، یکی رهبر شد دیگری رئیس جمهور، هر دو هم‌امه به سر دادند و هر دو از ستون‌های امتحان پس داده نظام.

رفسنجانی خیز برداشت تا مشی رونق اقتصادی بر مبنای انحصار سیاسی قدرت روحانیت را در خدمت تحکیم و دوام نظام ولایت فقیه پیش برد. هم تحقق رونق اقتصادی بگونه‌ای که جامعه سرمایه‌داری در جهان امروز می‌طلبد و هم حفظ حرمت شئون فقه و رهایت منویات حکومت فقهی از زندگی بار دیگر به سرهم نشان داد که ایندو پدیده

در تضاد با یکدیگرند. برنامه‌های دولت رفسنجانی از یکسو سترون ماند به این دلیل که خود دولتمدار و مهره‌های اصلی دولت، زندانی نظام فقهی و تفکر حاکمیت دین هستند و از سوی دیگر حکم ایست را یافتند آنگاه که با شورش روحانیت حاکم به رهبری خامنه‌ای روبرو شد. بدینسان تضاد پیش‌گفته بازم سر برآورد و اینبار بین مورد اعتمادترین کسان خمینی.

این تضاد، تضاد ذاتی نظامی است که به هیچ رو جدایی دین از حکومت را بر نمی‌تابد ولی در همانحال، جامعه معاصر آن را به سمت رهایت مقررات و الزامات روز سوق می‌دهد. تاین نظام پابرجاست، این تضاد نیز وجود خواهد داشت و هر زمان به رنگی و شکلی رخ خواهد نمود. پس اینکه تضاد بین خامنه‌ای و رفسنجانی چه نتیجه‌ای پیدا خواهد کرد، شکل و رویه تضاد اصلی دیگری است که توضیح داده شد. این دو نفر، می‌توانند با هم کنار بیایند، در مشی و روش خود تجدید نظر کنند و یا حتی درصدد حذف همدیگر برآیند و به نتایجی هم برسند. اما تضاد همچنان قرص و محکم بر سر جای خواهد ماند.

سخن بر سر خود تضادی است که مستقل از افراد عمل می‌کند، پیوسته دامنه و حدت بیشتری می‌یابد و مدام نظام را می‌ساید. این تضاد تضاد جامعه با نظام فقهی است. تضادی است که در نتیجه عملکرد آن، توده مردم هر چه بیشتری به تقابل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با رژیم کشیده می‌شوند و نظام، هر چه افزونتر از عناصر مدافع تمدن امروزی و یا مستعد پذیرش الزامات جامعه معاصر خالی می‌گردد. این تضاد نه در رژیم که از بیرون قابل حل است. نیروی حل این تضاد در جامعه شکل می‌گیرد تا که سرنوشته حکومت و جامعه را رقم بزنند.

# "خطامام" پس از انتخابات

ف. تابان

در بحبویه انتخابات مجلس چهارم، زمانی که جنگ بر سر قدرت گرم و تند بود، گروهی از طرفداران خط امام با تغییر برخی از شعارهای خود کوشیدند. چهره‌های تازه از خود مرصه کنند.

هر چند تلاشی در جهت آشتی دادن ولایت فقیه با مرجعیت مردم و ضرورت پاره‌ای اصلاحات عمدتاً سیاسی در رژیم مذهبی مدتها پیش، تقریباً از همان زمان که این نیرو از مراکز قدرت به عقب رانده شد، در بین بخشی از آنها طرح بود، اما در آستانه انتخابات، شعارهای تازه در نیروهای خط امام صراحت بی‌سابقه‌ای یافت. هلیبرقم زنجیر سنگینی که وظیفه دفاع از میراث خمینی بر پای آنها بسته بود، مبارزه انتخاباتی و تلاش برای جلب نظر مردم، این نیرو را در طرح شعارها و خواسته‌های تازه

چند گام به جلو آورد و ابتکار عمل را در میان مجموعه نیروهای موسوم به خطامام به دست آنها داد. مواضع این نیرو که آمیزه‌ای از حرف‌های تازه و سیاست‌های کهنه بود بدلیل متفاوتی از جمله مسئولیت همده آنان در طراحی و اجرای سیاست‌های گذشته نظام و دفاع از جهت‌گیری‌های همده این سیاست‌ها تا زمان فعلی، وجود یک جریان توی بدنام و سرکوبگر در میان آنها که تنها به خاطر جلوگیری از حذف خود "از ادبخواه" شده بود و هدم اعتماد عمومی نسبت به شعارهای انتخاباتی این گروه نه تنها موفقیتی به دست نیامد بلکه دچار شکست سنگینی نیز شد.

شاید علاوه بر سپری شدن فضای مبارزه انتخاباتی این

شکست را نیز بتوان یکی از عوامل فروکش تب و تاب این نیروها در زمان انتخابات و قلبه بیشتر شخصیت‌ها و جناح‌های سازشکار در بین آنها دانست. تحت تاثیر این عوامل مواضع عمومی این نیروها از انتخابات بدین سو و صرفنظر از برخی مقاطع تنش‌زابه

سوی تعدیل و آمادگی هر چه بیشتر برای تمکین به قدرت موجود سیر کرده‌است. این محافظه‌کاری بارها در درون خود این نیرو مورد تاکید و اعتراض قرار گرفته و هیچ‌گاه نیز پاسخی در خور به آن داده نشده است. این سیاست، خطامام را که در جریان انتخابات به یک جناح سیاسی فعال و منتقد بدل شده بود، اینک به نیرویی پراکنده و فاقد حرکت سیاسی چشمگیر تبدیل نموده است. انتقادهای سیاسی این جریان به جناح حاکم بیش از پیش جای خود را به بیان و انعکاس دردهای اجتماعی و اقتصادی سپرده‌است.

آنها سیاست تمکین به قدرت حاکم را تمکین به نظر واراده مردم وانمود کرده‌اند و در محافل و مطبوعات خود چنین تبلیغ می‌کنند که مردم در جریان انتخابات به جناح و سیاست‌های معینی رای داده‌اند و اکنون باید این جناح حکومت کند و آن سیاست‌ها اجرا شود. بی‌پایگی یک چنین توجیهی آتقدر آشکار

است که اصرار بر آن جز هوامفریبی چیز دیگری نمی‌تواند باشد. اطلاعات مختلف از این شده پیرامون انتخابات مجلس چهارم که تا مدتها مورد استفاده خود این جریان نیز بود و حتی آمارهای دولتی، نادرست بودن

این ادعا را که در جریان انتخابات، مردم ایران جناح و سیاست خاصی از رژیم را مورد تایید قرار دادند، آشکار می‌کند. واقعیت انتخابات مجلس چهارم این بود که بخش همده مردم از دادن رای خودداری کردند و این امتناع در هر زبانی به نام مخالفت خاموش بارزیم حاکم تعبیر می‌شود. این مخالفت پس از انتخابات در سطح خاموش

باقی نماند و با شورش‌ها و تظاهرات متعددی به یک فریاد رسا بدل شد. کسی که امروزه این فریاد رسای اعتراض و مخالفت را نمی‌شنود و آنچه را که خودکامگان به تشخیص خود انجام می‌دهند، تجلی رای و نظر مردم می‌نامد، جز توجیه اقدامات رژیم به شیوه ظریف و زیرکانه چه کار دیگری انجام می‌دهد؟

مواضع این جناح از رژیم در آستانه انتخابات و پس از آن این تضاد را قوت می‌بخشد که بخش همده‌ای از آنچه این جناح (و یا دست کم جریان صاحب نفوذی از آن) در آستانه انتخابات بر زبان می‌راند از ملزومات مبارزه انتخاباتی آنها بوده و نه بیشتر. اما در فضای آکنده از اعتراض در کشور ما، ادامه چنین سیاستی بیش از آنکه موجب بقا باشد، شانس تبدیل شدن به یک نیروی سیاسی موثر و اصلاح‌گر را کاهش می‌دهد.

چنین سیاستی وقتی که از سوی نیرویی که هنوز بخشی از نظام حاکم است، دنبال شود، یا ادامه مدستی در سرکوب مردم و یا حذف شدن تدریجی از صحنه سیاسی کشور خواهد بود.

# راه چاره یا آرزو؟

بیژن اقدسی

رسانده‌اند که به تشکیل شبکه‌های ترور در کشورهای خارجی نیز اقدام می‌ورزند.

فاملان رژیم اسلامی در داخل کشور رهبران بالقوه و گاه حتی بالفعل مخالفان خود را اهدام و ترور می‌کنند و در خارج از کشور اساساً به ترور رهبران اصلی گروه‌بندی‌های اپوزیسیون دست می‌یازند. تئوکرات‌های تهران پس از از میان برداشتن خطر درجه یکم بویژه با واقعیت بخشیدن به فاجعه ملی کشتار زندانیان سیاسی در سال ۶۷ و نیز با ترور برخی از سرشناسان اپوزیسیون که گرچه نه چندان فعال ولی به‌رحال دم دست بودند، چند سال است که به صورت متمرکز از میان برداشتن خطر درجه دوم یعنی فعالین معتمد خارج را طرح ریزی می‌کنند و به مورد اجرامی گذارند.

برخورد اپوزیسیون معتمد خارج با این اقدامات و مشخصاً آنجا

ترور دکتر سعید بار دیگر به اپوزیسیون خواب امریادآوری کرد، که حکومت اسلامی ایران در پی شکار رهبران جریاناتی است، که به اپوزیسیون سیاسی آن تعلق دارند.

اقدام دولتمردان مسلمان ایران به اهدام فیزیکی اپوزیسیون نه‌ای فعال خود واقعیتی نوپدید نیست. حاکمان

مهم یک پارچگی اپوزیسیون حداقل درباره این موضوع است. میان اجزایی اپوزیسیون که برخی از بخش‌های آن خواهان نابودی بخش یا بخش‌هایی دیگرند. حصول این یک پارچگی اما در واقعیت به سادگی نگارش آن نیست. تا بدست آوردن این یک پارچگی نیز راه زیادی پیش روست. به کسانی که راه کوتاه مدت مقابله با تروریسم رژیم اسلامی را در یک پارچگی می‌دانند باید گفت خواب خوش!

منظور این نیست که این ایده کنار گذاشته شود بلکه باید تا رسیدن به این مقصود راه‌های عملی برای مقابله با تروریسم جستجو و مورد استفاده قرار گیرد، راه‌هایی که جای بحث‌شان در این نوشته نیست.

باید کاری کرد که مجبور ناشیم بار دیگر در سوگ شهادت کسی از یارانمان زانوی فم به بغل گیریم.

هیچ اقدامی فرو گذار نیست. اپوزیسیون مانند کبکی سرخود را زیر برف کرده و خود را به آن راه زده بودو متأسفانه این بی‌خیالی بهای سنگینی داشت. با ترور دکتر سعید گویی اپوزیسیون در صدها تکانی برآمد. تکانی گرچه مثبت ولی به گواهی همگان در کوتاه مدت کم اثر.

اقدامات اعتراضی منفرد و گروهی وابستگان اپوزیسیون در واقع حول یک محور متمرکز می‌باشد؛ فشار بر دولت‌های محل سکونت سیاسی جهت فشار بر دولت ایران به منظور جلوگیری از اقدامات تروریستی آن. این نیتی است که اگر برآورده شود اپوزیسیون را از خطر انهدام فیزیکی در خارج رها خواهد کرد. اگر برآورده شود، اما تا آن زمان فاصله بسیار داریم. نتیجه دست روی دست بگذاریم تا آن روز برسد؟! تازه یکی از الزامات نیل به این

که به ترور در خارج از کشور بر می‌گردد چگونه است؟ اکنون بیش از یک دهه است که آخرین بخش اصلی اپوزیسیون‌های خارج نشین مهاجرت کرده‌اند و چند سال است که مشخصاً تیز نیکنان را متوجه خود دارند. اما آنها تنها وقتی دست به اعتراض به ترورهای رژیم جمهوری اسلامی ایران و حتی اعتناء به آن زده‌اند که سهراب بر دستانشان در حال پژمردن بود. و یا حداقل عرق مرگ بر پیشانی‌شان نشسته است.

نتیجه این برخورد آن بوده است که مهاجران سیاسی ایرانی تاکنون در قم بالغ بر سی قربانی گریسته‌اند. انگار اپوزیسیون معتمد خارج نمی‌خواست بپذیرد که گرچه معتمد کشورهایی است که تا حدود بسیاری اصول اولیه آزادی‌های سیاسی را رهایت می‌کنند، ولی در همین حال مخالف فعال رژیمی است سرکوبگر که برای از بین بردن مخالفان خود از

## گزارش دیگری از قتل عام زندانیان سیاسی

# چه عظیم است این دردمنا

۴ سال از فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی در ایران گذشته است. درباره چگونگی وقوع این فاجعه، ناروشنی ها هنوز فراوان است اما در همین حال به همت کسانی که بنوعی در متن و یا حاشیه آن روزهای تلخ بودند، هر روز گوشه هایی از این فاجعه مولناک روشن میشود. در این راستا، خاطرات، نوشته ها و گفته های بازماندگان آن روزهای خونین بیشترین نقش را داشته است. نشریه کار انتشار این خاطرات و اطلاعات تمام کسانی که بنوعی شاهدان فاجعه ملی بوده اند را همواره یکی از وظایف خود دانسته و در حد توان خود در انجام این وظیفه و کمک به روشن شدن بیشتر جوانب این فاجعه کوشیده است. در این شماره گزارش دیگری در ارتباط با قتل عام زندانیان سیاسی - که بر اساس خاطرات یکی از بازماندگان این فاجعه تنظیم شده - و متأسفانه به موقع و برای شماره سالگرد و ویژه کشتارها به دست ما نرسیده درج می شود. تازه گی این گزارش به ویژه در آن است که گوشه هایی از فضای زندانهای زنان را در ماههای کشتار زندانیان تصویر کرده است. دوست همزیر گزارشگر، در مقدمه نامه خود به نشریه کار، انگیزه تنظیم و ارسال این گزارش را چنین بیان کرده است:

"من یکی از بازماندگان فاجعه تابستان ۶۷ هستم. یاباری از وحشت و رنج، لحظه های اضطراب ماهها انتظار مرگ خودم و یاران و هم زنجیرانم را سپری کردم. هر چند اعتقاد دارم هیچ گاه هیچ اثر ادبی و هنری نمیتواند بازتاب جامع و قایع سالهای وحشت در اوین باشد، در این مختصر می گویم گوشه ای از سجم خود را بعنوان بازمانده یارانی که از میان ما رفتند ادانایم."

نشریه کار ضمن تشکر از این دوست همزیر، بار دیگر آمادگی خود را برای انتشار و انعکاس خاطرات، یادبودها و اطلاعات همه کسانی که میخواهند سهمی در روشن ساختن ابعاد قتل عام زندانیان سیاسی داشته باشند، اعلام میدارد.



۱۰ ماهی می شد که زندانیان مرد اوین راه ساختمان معروف به ۲۱۶ منتقل کرده بودند. ساختمانی قدیمی که در کنار دفتر زندان قرار داشت. زندانیان زن را هم به ساختمان تازه تاسیس معروف به آموزشگاه برده بودند. زندانیان زن "آزادی" به سالن یک این ساختمان منتقل شده و به اصطلاح "در بسته" شده بودند. "آزادی ها" آن دسته از زندانیان بودند که میتوانستند به شرط اجرای ضوابط دادستانی اجماع از نوشتن انزجار نامه، محکوم کردن سازمانهای سیاسی و یا انجام مصاحبه آزاد شوند، اما آنها بخاطر تن ندادن به این شرایط چنان در زندان بسر می بردند. "در بسته" ها به آن زندانیانی اطلاق میشد که در اتاقهایی که از ۱۶ تا ۳۵ الی ۳۶ نفر را در خود جای داده بود، زندانی بودند. در این اتاقها همیشه بسته بود. در شبانه روز تنها ۴ بار درها باز می کردند و زندانیان نیم ساعت تا ۴۵ دقیقه فرصت استفاده از توالت و حمام و دستشویی داشتند. در این فاصله در اتاقها و دستشویی بسته میماند و امور نظافت انجام می گرفت. این وضع ۳ سال تمام، یعنی تا زمان خروج زندانیان از زندان برقرار بود. کسانی که حکم گرفته بودند، در سالن ۳ طبقه سوم همین ساختمان (آموزشگاه) به سر میبردند. در این سالن، زندانیان روزی نیم ساعت هواخوری میدادند.

۲۷ تیر ۶۷، تاریخ آخرین ملاقات قبل از کشتارها با خانواده ما بود. گویا همان روز و یک روز پیش از آن خمینی پذیرش قطعنامه ۵۸۵ شورای امنیت را اعلام کرده بود. شب، پس از انجام ملاقات، دو نفر از نگهبانان آمدند و تلویزیون اتاق را بردند. از فردا روزنامه هم نرسید. سهمیه تقریباً همه قطع کرده بودند. احساس می کردند، یکی دو روز بعد یک گروه ۳ نفری مرکب از رئیس زاده رئیس زندان و فردی بنام مجتبی که معاون او بود و وظیفه اش تنها ضرب و شتم و آزار زندانیان بود، به همه بندها مراجعه کردند. آنها سؤالاتی در مورد اتهام و مدت زندانی بودن و نوع حکم از همه زندانیان کردند و سپس تعدادی از زندانیان وابسته به گروه های چپ و مجاهدین را به سلول های افرادی فرستادند. هنوز هم روشن نیست که آیا آنها طبق لیست از قبل تعیین شده ای این عده را جدا کردند یا بدون ضابطه معینی.

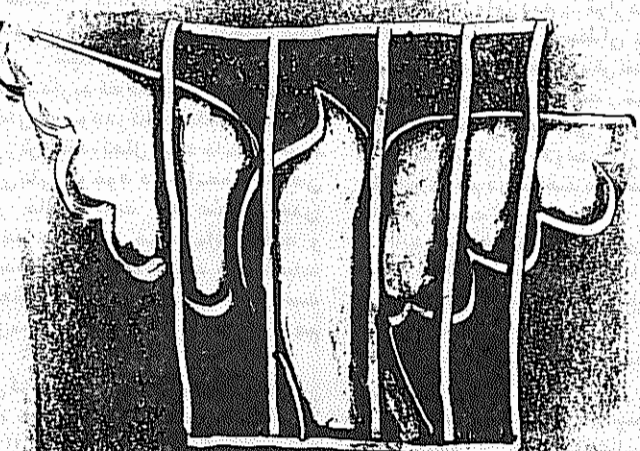
کمی بعد همه مجاهدین و سپس عده ای از زندانیان چپ را از اتاقها بردند. کم کم این احساس قوت می گرفت که جدایی ها همیشگی است. خدا حافظی ها همه در سکوت و بعضی و اشکهای فرو خورده انجام میگرفت. کسانی که هر یک نمونه هایی مثال زدنی از انسانیت و شرافت بودند، از میان ما می رفتند. در میان آنها بسیاری بودند که بهترین سالهای جوانی را در زندان گذرانده بودند، بعضی از آنها حتی در زندان به سن بلوغ رسیده بودند. بسیاری از زندانیان در ابتدای دستگیری خود محکومیتی نداشتند، اما سالها در زندان مانده بودند و شرط آزادی شان را این قرار داده بودند که از عقاید خود روی برگردانند. مدتی گذشت. خبر دادگاههای سری ویژه در میان زندانیان دهان به دهان گشت و منتشر شد. اندکی بعد حد زندانیان زن وابسته به سازمانهای چپ و اعدام وسیع مردان زندانی آغاز شد. گفته می شود تا آخر مرداد ماه اعدام مجاهدین زن و مرد را به انجام رساندند. از اواسط مرداد اعدام زندانیان چپ آغاز شد. این اعدامها تا اوایل مهر ماه ادامه داشت. یکبار زندانیان سالن یک (آزادیهای "در بسته") موقع دستشویی صبح، صدای جمعی از مردان زندانی را شنیده بودند که سرود انترناسیونال را می خواندند.

گفته می شود زندانی جوان و پر شور سرور درویش کمن در زیر همین ضربات به شهادت رسید. به گفته زندانیان دیگر سرور حدود ۲ تا ۳ روز در صف زندانیانی که جیره شلاق داشتند حضور داشت

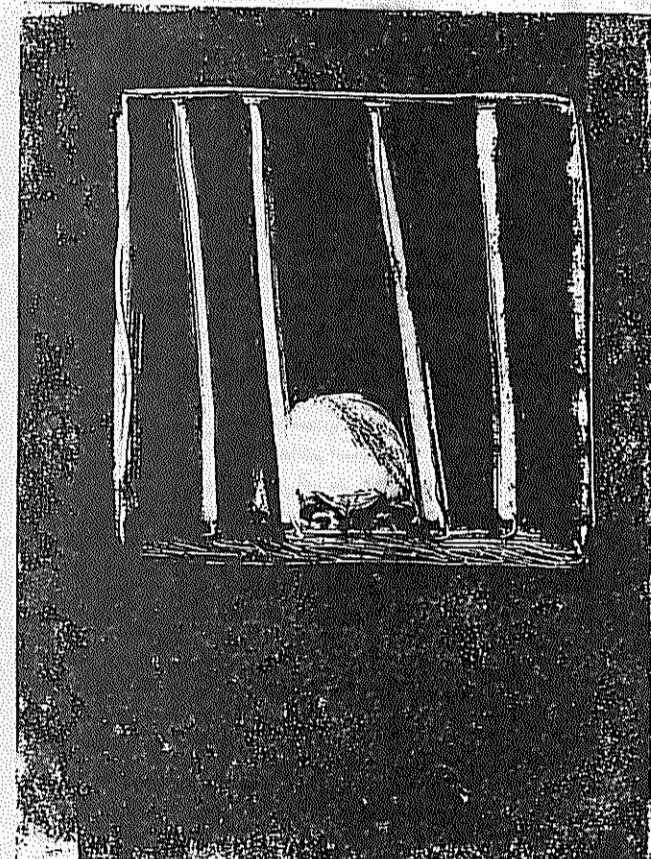
پس از آن دیگر کسی او را ندید. وی تنها یکسال و نیم محکومیت داشت و مدتی قبل از اعدامها، محکومیتش به پایان رسیده بود، اما بدلیل نپذیرفتن ضوابط زندانبانان برای آزادی (نظیر مصاحبه یا نوشتن تنفر نامه) هم چنان اسیر بود و از جمله "آزادیهای در بند"، به شمار میآمد. روایت دیگر این بود که وی در اثر فشار شکنجه در سلول، خود زنی کرده است. یکی از زندانیان می گفت که زندانبانی بعد از باز کردن در سلول وی با جسد او مواجه شده بود. در هر حال بد رستی معلوم نشد که سرور در زیر ضربات شلاق به شهادت رسید و یا به گفته رئیس زندان خودکشی کرد. اما آنچه

جریان بازجویی ها آشکار شده بود. تفتیش عقاید بر اساس مذهب و عقاید سیاسی. تکلیف هم روشن بود. مردانی که مذهب را نمی پذیرفتند به مرگ و زنها هم به "حد ارتداد" محکوم می شدند. اکثر زندانی که حکم حد می گرفتند در همان دادگاه و یا در سلول، اعلام اعتصاب غذا می کردند. حد ارتداد برای زنان زندانی ۵ ضربه شلاق در هر یک از وعده های نماز بود. وعده های نماز هم ۵ نوبت و نه ۳ نوبت مقرر شده بود، یعنی هر زندانی در روز ۵ نوبت و جمعا ۲۵ ضربه شلاق میخورد. برای شلاق زدن از پاسداران مردوزن هر دو استفاده می شد. زندانیان در حال مرگ را در داخل سلولهای زندان، پاسداران و مقامات زندان، در شلاق زدند، خشونت و کینه بسیاری نشان می دادند. زندانبانی را که بر اثر اعتصاب غذا ضعیف شده بودند، روی چهار دست و پا برای دریافت جیره "به سوی تخت شکنجه که در راهرو بند قرار داشت می بردند. در جلوی این تخت معمولاً صاف تشکیل می شد و زندانیان را به نوبت به تخت میبستند.

گفته می شود زندانی جوان و پر شور سرور درویش کمن در زیر همین ضربات به شهادت رسید. به گفته زندانیان دیگر سرور حدود ۲ تا ۳ روز در صف زندانیانی که جیره شلاق داشتند حضور داشت



می گرفت که مرگشان از نظر دادگاه شرع قطعی شود. البته کسانی که با قصد کشتار آمده بودند، چندان هم در بند شریعی ساختن وظیفه مرگبار خود نبودند. در این میان چه بسیار "اشتباه" ها که صورت نگرفت. یکبار یکی از زندانیان که حکم اعدام نگرفته بود، در صف زندانیان محکوم به اعدام یکی از دوستان نزدیکش را دیده و بی آنکه بداند او بسوی مرگ میرود برای سلام و هلیکی به او نزدیک شده بود. او را از همانجا همراه با صف مذکور به پای چوبه دار بردند. موارد دیگری نیز بود. زندانی را پس از بیرون آمدن از دستشویی اشتباها به صف اعدامها فرستادند و اعدامش



مسلّم است، شهادت او درست زمانی اتفاق افتاد که وی بر مبنای احکام مسئولان زندان، هر روز ۵ نوبت شلاق می خورده است و قرار بوده این شکنجه تدریجی "تا حد مرگ" ادامه یابد.

جریان کشتار زندانیان مرد در اواخر مرداد ماه و در حالیکه ملاقاتها هم چنان قطع بود، منتشر شد. در گوهر دشت کرج اعدامهای توأم با شکنجه جریان داشت. زندانیان را از میان صفی از پاسداران مسلح به پنجه بکس و شلاق و زنجیر عبور داده و مورد ضرب و شتم قرار می دادند. دنده های عده ای بر اثر این ضربات می شکست. می گویند "طراح" این شکنجه در چنین مواقعی با خوشحالی دستهایش را به هم می کوفت و می گفت: "به آرزویم رسیدم. این فرد که مقام قضایی بالایی داشت (هنوز هم دارد) افراد معروف به "دوامضایی" را تشویق می کرد پاسخهای دادگاه بعدی را طوری بدهند تا نادانسته به مرگ محکوم شوند. افراد "دوامضایی" کسانی بودند که بخاطر وجود دو امضا در پای حکم اعدامشان موقتاً از تیغ جسته بودند و می باید در دادگاه دیگری شرکت می کردند تا امضای سوم برای قطعی شدن اعدام آنها تامین شود. شخص نامبرده در میان زندانیان دو امضایی پر-سشنامه ای پخش کرده بود و با تهدید و تحریک از آنها جوابهایی

کردند.

روزهایی سخت و دلهره آور بر ما میگذشت. جلادان شب و روز اعدام می کردند و جنایاتی را رقم میزدند که در نوع خود بی نظیر بود. اگر کشتارهای سال ۷۰ از نظر تعدادی که قربانی شدند، با آدمکشی های وسیع سال ۶۰ قابل مقایسه باشد، اما از نظر، دلایل و انگیزه ها، کاملاً مستثنی بود. رژیم باهدف خالی کردن زندانها و با تصمیم آگاهانه، به این جنایت دست زد. اهمیت و فوریت موضوع برای آنها چنان بود، که بی توجه به انعکاس این جنایت عظیم در داخل و خارج از کشور، زندانیان سیاسی را کشتار کردند. این کشتار در فضای پایان جنگ و احتمال بروز حرکات توده ای، میبایست به چند هدف جامعه عمل ببویشاند: تصفیه حساب با هزاران زندانی سیاسی - که به ویژه در سالهای آخر مبارزات و مقاومت های خود بعنوان پایگاه استواری در برابر رژیم قد علم می کردند، ایجاد جو رعب و وحشت، نمایش قدر قدرتی و زورمداری و بالاخره محروم

کردن مردم از گروه بزرگی از روشنفکران و فرزندان صادق و متعهد خود.

پس از ماهها، زمانی که ملاقاتها برقرار شد، ابعاد وسیع و فیر قابل باور کشتارها را فهمیدیم. هر بار از فقدان گروهی از هم زنجیران خود خبر می یافتیم و چه عظیم بود رنج بزرگ ما و همه مردم. سینه ها ملامت از هم بود. گویا ما بعضی دردناک می نشد. فهم تنها هم از دست دادن همسر و برادر و خواهر نبود... در دو رنج بزرگتر بود. ماتم، هموی بود. هیچ کس به خود نمی اندیشید، همه در رنج یکدیگر در درد همومی سجم بودند و باری از آن را بر دوش می کشیدند.

این درد هنوز بر گرده ما سنگینی میکند و راهی از آن نخواهیم داشت تا روزی که پرونده آن روزهای سیاه و تلخ و خونین تابه آخر گشوده شود و جنایتکاران و مسببین این درد و رنج بزرگی که بر ما و مردم ما تحمیل شده به سزای جنایات خود برسند. به امید آن روز.

## محاکمه ۶۰۰ زندانی سیاسی در سوریه

به گزارش مدافعان حقوق بشر، در سوریه بطور مخفی محاکمه حدود ۶۰۰ زندانی سیاسی آغاز شده است. در گزارشی که هفته گذشته توسط سازمان "ناظر خاورمیانه" که یک گروه طرفدار حقوق بشر در آمریکا است منتشر شده، آمده است اکثر زندانیان سوری تاکنون بدون کیفر خواست در زندان بسر برده اند.

در میان زندانیان که قرار است که طی بزرگترین محاکمه جمعی از ۱۹۷۱ بدین سو محکوم شوند، حداقل ۱۵۰ نفر به اتهام عضویت در سازمان های کمونیستی محاکمه می شوند. تنها جرم آنها این است که از حق آزادی بیان خود استفاده کرده اند. سازمان "ناظر خاورمیانه" از حافظ اسد رئیس جمهور سوریه خواسته است محاکمه مزبور را که از اواخر اوت ۱۹۹۲ آغاز شده است متوقف کند و دستور رسیدگی به گزارش های زندانیان درباره وادار شدنشان به اعتراف از طریق شکنجه را بدهد.

این گزارش حاکی است در زندان های سوریه مجموعه ها ۴۴۰ نفر بدلیل سیاسی زندانی اند. در گزارش ۱۶ صفحه ای مزبور آمده است بیش از دو هزار زندانی متهم به عضویت در اخوان المسلمین اند. برخی از زندانیان، ۲۲ سال است که بدون کیفر خواست تحت شرایط غیر انسانی در بازداشت به سر می برند. در میان این زندانیان، تعداد زیادی از روشنفکران سوری، از جمله ۲۴۵ مهندس، پزشک، وکیل دعاوی و نویسندگان دیده میشوند.

در سوریه، از ۱۹۶۳ بدین سو مقررات فوق العاده حاکم است. طبق این مقررات، نیروهای امنیتی مجازند افرادی را که به نظر آنها "امنیت و نظم عمومی" را به خطر افکنند، بطور نامحدود در بازداشت نگه دارند.

# بی‌اعتمادی و سیاست‌های اقتصادی

ماضی‌نامه "جامعه سالم" در آخرین شماره‌اش (شماره ۶ - مهر ۱۳۷۱) سلسله‌مطلبی را در زمینه مسأله "اعتماد" در جامعه ما از زوایای مختلف درج کرده است. ما مقاله "بی‌اعتمادی و سیاست‌های اقتصادی" نوشته دکتر رحیم رحیم زاده اسکویی را بخاطر مطالب جالب آن برای این شماره نشریه کار برگزیده‌ایم. امیدواریم مورد پسند خوانندگان نشریه قرار گیرد.

می‌گویند ایدئولوژی حاکم بر هر جامعه، ایدئولوژی حکام آن جامعه است، در نتیجه جوی که در شرایط عادی بر جامعه حاکم است جوی است که حاکمان جامعه به وجود می‌آورند. تولید پدیده یا مقوله بی‌اعتمادی نیز از این قانونمندی کلی خارج نیست.

در هر جامعه‌ای ما با یک حاکمیت و یک اپوزیسیون مواجهیم. اپوزیسیون اغلب از کار حاکمیت انتقاد می‌کند زیرا در نهایت مایل است خود به حاکمیت برسد. این نقشی است که نیروهای اجتماعی در همه برعهده می‌گیرند و البته امکان تغییر نیز در آن وجود دارد. حال بنیم در جامعه ما وضعیت چگونه است. ارائه چند مثال در این زمینه می‌تواند روشنگر باشد: آقای دکتر کلانتری وزیر کشاورزی و آقای دکتر فروزش وزیر جاده به عنوان اعضای از هیات دولت در میزگردی تحت عنوان "مشکلات و ننگ‌های توسعه اقتصادی" که در مجله جام (مجله جامعه اسلامی مهندسين، سال اول، شماره یک، اسفند ۷۰) چاپ شده است شرکت کرده‌اند. وزیر محترم کشاورزی در این میزگرد فرموده‌اند: "جنگل‌های طبیعی ایران در گذشته نه چندین دور حدود ۱۸/۳ میلیون هکتار برآورد می‌شد، اکنون به حدود ۱۲/۴ میلیون هکتار تقلیل یافته است و از ۴ میلیون مترمکعب امکانات بالقوه تولید چوب آلات جنگلی در حال حاضر حدود ۱/۵ میلیون متر مکعب مورد بهره‌برداری و استفاده قرار می‌گیرد". گفته‌های ایشان نشان می‌دهد چقدر جنگل در ایران وجود داشته که در مدت کوتاهی از بین رفته است و چگونه ما می‌توانستیم از تولیدات جنگل‌هایمان استفاده کنیم و نگردایم. ایشان در همان میزگرد اضافه می‌کنند: "ما همواره نخواستیم و یا خواستیم و نگذاشته‌اند که کشاورزی در کشور ما اقتصادی شود. اما زارع‌ها شعور دارند و تشخیص می‌دهد که کشاورزی اقتصادی است یا نه؟"

و بعد می‌فرمایند: "در حال حاضر فرسایش خاک بسیار وحشتناک است و سالیانه ۱۰ تن در هر هکتار و جمعا ۱/۵ میلیارد تن در سال می‌باشد که بازگرداندن این خاک به کشاورزی سرمایه‌گذاری‌های بسیار عظیمی را طلب می‌کند". آقای فروزش وزیر محترم جاده در همان میزگرد فرموده‌اند: "ما در زمینه جنگل‌ها و مراتع دچار تخریب و فرسایش خاک هستیم و در یک سرایشی مارپیچی تند و فوق‌العاده خطرناکی قرار داریم. فرسایش ۱۰ تن در هکتار شاید در ذهن هم سا دلتلی شود اما اگر قیمت خاک و حمل و نقل آن و سرمایه‌گذاری برای بازگشت مجدد خاک مد نظر قرار گیرد متوجه این خسارت عظیم می‌شویم که سالیانه ۱۰۰ میلیون تن رسوبات در پشت ذخایر آب (سدها) ایجاد می‌شود و هزینه رسوب‌زدایی را به کشور تحمیل می‌کند".

موارد بالا را آوردیم تا نشان دهیم مسئولین محترم وزارت کشاورزی و جاده از موضع دولت سخن نمی‌گویند بلکه جای اپوزیسیون را گرفته‌اند. تصور می‌کنم در مناسبات عادی اگر یک وزیر کشاورزی مشکلات خود را به این صورت مطرح می‌کرد، اصولا آن کابینه سقوط می‌کرد. ممکن است این مشکل پیش آید که حاکمیت با پذیرفتن نقش اپوزیسیون تصد جلب اعتماد مردم را دارد. در همین حال مایل نیست که اپوزیسیون وجود داشته باشد. همه می‌دانند که اساسا وجود اپوزیسیون در هیچ کشوری نیازی به مجوز ندارد. اپوزیسیون به صورت قانونی (احزاب و...) و به صورت منفرد و پراکنده وجود دارد. در کشور ما اپوزیسیون به طور طبیعی وجود داشته است و دارد و هر از گاهی با توجه به مناسبات موجود در کشور در ادبیات، نقاشی، اقتصاد، سیاست، جامعه‌شناسی و... اعلام نظر می‌کند. به این ترتیب به نظر می‌آید از عوامل بزرگ تولید جوی بی‌اعتمادی در کشور برعهده گرفتن هر دو نقش حاکمیت و اپوزیسیون توسط مسئولین مملکتی است.

بایستی توجه داشت هیچ دولت و حاکمیتی در خلا قرار ندارد و باید بر نیرویی تکیه کند تا قادر به حکومت باشد. مثلا حاکمیتی می‌تواند با تکیه بر نیروهای داخلی در مقابل مناسبات بین‌المللی قدرت مانور داشته و از منافع کشورش دفاع کند. به یاد یاوریم که مرحوم دکتر مصدق در مقابل کسری بودجه دولت، دو راه در پیش رو داشت: یکی گرفتن وام از بانک جهانی (بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه) و دیگری استقرار از مردم. دکتر مصدق با پذیرش آلت‌ناتیو

دوم و صدور قرضه ملی به مردم تکیه کرد و در مقابل مناسبات بین‌المللی که او راتحت فشار قرار داده بودند، ایستاد. یعنی تکیه مردم مشروعبیت دولت دکتر مصدق را فراهم آورد. ولی حاکمیتی هم می‌تواند با تکیه بر مناسبات بین‌المللی در مقابل مردم مانور بدهد. همان کاری که ما در دوره ۲۵ ساله ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ شاهدش بودیم. وضعیتی که سرانجام به نفعی شاه انجامید. مردم مادران دوره ۲۵ ساله استکبار و استبداد را تجربه کرده‌اند و می‌دانند تحمل این دوره چقدر سخت است. شاید به همین علت است که از تکیه کردن بر مناسبات بین‌المللی واهمه دارند. همه می‌دانند وقتی تکیه کردیم به ۹۵ درصد ارز کشوری از مناسبات بین‌المللی و از صدور نفت و گاز به دست می‌آید، آن کشور نمی‌تواند با آن مناسبات پیوند نخورد، اما این پیوند شرایطی دارد که آن شرایط تامین نشده‌اند. برای مثال آیا ما جایگاه سرمایه‌گذاری‌های خارجی را در برنامه ۵ ساله دوم مشخص کرده‌ایم که می‌گوییم سرمایه‌گذاری خارجی صدرصد آزاد است؟ بسیاری از مردم امروز می‌دانند که مناسبات بین‌المللی، بزرگترین مانع توسعه اقتصادی ماست. اگر ما می‌توانستیم از طریق برقراری ارتباط با مناسبات بین‌المللی صنعتی شویم، چرا با وجود ارتباطات گسترده رژیم شاه صنعتی نشدیم؟ مایی که از زمان عباس میرزا، ماشین آلات وارد می‌کنیم، چرا صنعتی نشده‌ایم؟

برای یک بار هم که شده باید درک درستی از مخوله صنعتی شدن به دست آوریم. به نظر من نخست تکیه بر مردم و سپس استفاده صحیح از مناسبات بین‌المللی به عنوان یک ابزار راه حل ما برای صنعتی شدن است. باید به یاد داشت که با حرکت خرگوش‌وار صنعتی شدن امکان پذیر نیست. باید لاک پشت‌وار حرکت کرد و به بنیان مسائل توجه داشت. مثلا در یکی دو سال گذشته از خرید تکنولوژی و نبود متخصص زیاد شنیده‌ایم، بی‌آنکه توجه شود که تکنولوژی اساسا خریدنی نیست. در هر تکنولوژی دو محور وجود دارد. اول آزادی و استقلال عمل تکنولوژی موجود در ذات آن، دوم خرد موجود در بطن تکنولوژی اگر این دو محور در جامعه‌ای به وجود آمده باشد، یعنی جامعه بر اساس آزادی و خرد شکل گرفته باشد، آن جامعه خود تکنولوژی تولید می‌کند. تکنولوژی چیزی دست نیافتنی نیست. از کره مرخ وارد نمی‌شود. وابسته به معادن یا سرمایه‌هم نیست. اگر چنین بود ژاپن و آلمان نباید صنعتی می‌شدند چون منابعی ندارند. اما چرا این دو کشور صنعتی شدند؟ زیرا درک کردند تولید تکنولوژی در بدو امر مقوله‌ای فنی نیست، بلکه مقوله‌ای اجتماعی - سیاسی و فرهنگی است. اگر می‌خواهید و اعتماد دارید که کشورمان باید صنعتی شود باید بر نیروهای موجود در کشور تکیه کنید. باید این نیروها را آموزش دهید، تعقل افراد جامعه را بسط دهید. باید آزادی‌های موجود در جامعه را نهادی کرد. در چنین حالتی است که صنعتی شدن امکان پذیر خواهد بود، والا خرید ماشین آلات و تکنولوژی کالا شده در ازای فروش نفت در مناسبات بین‌المللی تحت عنوان انتقال تکنولوژی، کاری است که از زمان عباس میرزا انجام شده و نتیجه‌اش را هم دیده‌ایم.

ناید فراموش کرد که استکبار و استبداد دست در دست هم دارند، همان گونه که استقلال و آزادی، انقلاب، استکبار را از کشور اخراج کرد و استبداد را در داخل منکوب ساخت، اما مسأله این است که استکبار از در بیرون رفته و از پنجره وارد می‌شود و مجددا استبداد را شکل می‌دهد. یکی از عواملی که می‌تواند راهگشای حضور مجدد استکبار و پس از آن زنجیر و زندان استبداد باشد، وجود حس بی‌اعتمادی و جدایی بین مردم و حاکمیت است. اوایل انقلاب را به یاد بیاورید که مردم بر اساس مطلع بودن از همه جریان‌ها وحدت داشتند و آن را مقایسه کنید با وضعیت کنونی. تاکید من بر وضعیت فعلی دلیل دارد. اگر ما مسأله را که پیوند با بازار جهانی سرمایه‌داری جهانی بدون تکیه بر مردم کشور، بزرگترین مانع استقلال و آزادی کشور است را درک نکنیم، بسیاری از امکانات را از دست می‌دهیم. فرض کنید اگر ما از توصیه‌های بانک جهانی برای اقتصاد کشور به عنوان ابزار استفاده کنیم و هدفمان توسعه نیروی انسانی باشد، باید با تکیه کردن بر نظرات مردم کشورمان و نظرات کارشناسان آن توصیه‌ها را مورد بررسی علمی قرار دهیم و جنبه‌های مختلف آن را ببینیم. این گونه می‌توانیم نظرات و توصیه‌های بانک جهانی را با مناسبات کشورمان تطبیق دهیم، و جوهر مثبت این نظرات را بگیریم و بخش‌هایی را که به نفع مملکت نیست، رد کنیم. بی‌آنکه از هکس‌العجل ناخوشایند بانک جهانی واهمه داشته باشیم. نباید فراموش کرد که حاکمیت ما در شرایط فعلی بین‌المللی متمم است که زمانی، در تحت شرایطی، به مالکیت نگاه چپ کرده است. مثلا صنایع و بانک‌ها را دولتی کرده است (حالا وارد بحث تفاوت ملی کردن

و دولتی کردن و چگونگی آن نمی‌شوم). اما سرمایه‌داران داخلی و خارجی به این دلیل که زمانی به گاو مقدس نظام سرمایه‌داری و مالکیت خصوصی نگاه چپ شده است، مستقیم و غیر مستقیم می‌گویند اگر می‌خواهید با مناسبات بین‌المللی پیوند بخورید و به مالکیت خصوصی مشروعبیت ببخشید، بایستی امتیاز و اطمینانی بیش از آنچه که طی دوران قبل از انقلاب وجود داشته به ما بدهید.

شاید به همین علت است که دولت قانون ۴۹ و ۵۱ درصد سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران رانادیده می‌گیرد تا سرمایه‌گذاران خارجی با امتیازات بیشتری در داخل کشور سرمایه‌گذاری کنند. این حرکت نوعی هذر خواهی حاکمیت از اعمال سابق است. یعنی امتیازاتی حتی بیشتر از دوره شاه به سرمایه‌داران داخلی و خارجی داده می‌شود تا سرمایه‌گذاران بتوانند به حاکمیتی که زمانی ضد سرمایه‌داری بوده، اعتماد کنند. واقعیت این است که سیاست‌های سرمایه‌گذاری خارجی در ایران فی‌نفسه نه خوب است و نه بد. بلکه نکته در ایجاد و حفظ تعادل بین منافع ملی و منافع جهانی است. اگر ما جایگاه سرمایه‌گذاری‌های خارجی را در برنامه‌های پنج‌ساله اول و دوم تعیین و تعیین کرده باشیم، بسیار خوب است. اما اگر چنین نگردد، ما هم آنها را برای ما می‌کنند. بیاورید دیگر این را نخواهیم بود که از سرمایه‌گذاری‌های خارجی به عنوان ابزار در زمینه تحقق اهداف کمی و کیفی برنامه پنج‌ساله دوم استفاده می‌کنیم، بلکه آنها هستند که با ابزار برنامه پنج‌ساله دوم ما به اهداف کمی و کیفی خود خواهند رسید.

در طول تاریخ چند صدساله اخیر ایران بارها به این نکته برمی‌خوریم که هرگاه از تکیه دولت‌ها بر درآمدهای ارزی کاسته شده، تکیه دولت بر نیروهای داخلی افزایش یافته است و برعکس هرگاه درآمدهای ارزی زیاد می‌شود حکومت به نیروهای داخلی بی‌اعتنا می‌شود. در گذشته عملا حاکمیت‌ها در ایران منابع خارجی را فارت کرده‌اند تا به مردم خودشان تکیه کنند و نظرات آنها در سیاست‌های کشور در نظر نگیرند. در این مور مثال تاریخی زیاد وجود دارد. بار لشکرکشی سلطان محمود به هندوستان، حملات نادر شاه به هندوستان و... چرا که به مراحل اگر حاکمیت‌ها از نظر مالی به مردم وابستگی داشتند، باید نظرات سیاسی آنان را نیز در نظر بگیرند. بعد از انقلاب صنعتی اروپا، دیگر نتوانستیم منابع خارجی را فارت کنیم و لاجرم به فارت منابع داخلی رو آوردیم. قرارداد داری، اولین قرارداد است که توسط آن منابع داخلی را فارت کردیم. کسی مخالف فروش نفت یا سیاست‌گذاری در مناسبات بین‌المللی نیست. موضوع این است که چقدر این عدم وابستگی مالی به مردم و تکیه بر درآمدهای ارزی، دولت را از لحاظ کردن مسائل و نظرات مردم در سیاست‌های خود معاف می‌کند. پس راه حل چیست؟

باید ثروت‌های زیرزمینی به ثروت‌های ملی تبدیل شوند و ما باید از درآمدهایمان هزینه کنیم و نه از ثروت‌ها. ثروت‌ها باید تبدیل به درآمد شوند اما حاکمیت‌ها آنقدر سریع حرکت می‌کنند که منتظر این تغییر و تبدیل‌ها نمی‌مانند و همان ثروت‌های ملی را هزینه می‌کنند.

تحقیقات، تفکر و خردنهادی شده است. دیگر آزادی‌های اجتماعی و سیاسی به صورت فردی مطرح نیست، بلکه این آزادی‌ها به صورت نهادی مطرح هستند. این که من نظراتم را در سیاست‌گذاری‌ها اعمال کردم، یا من به صورت مکانیکی برخورد نکنند. مثلا گفته می‌شود مردم می‌بایست در مسائل اقتصادی خودشان مشارکت کنند. از این گفته تنها این گونه تفسیر می‌شود که سرمایه‌داران بتوانند در بازار بورس شرکت کنند و سهام بخرند، یا بخش خصوصی بتواند بعضی از کارخانجات را بخرد. این سمیع شدن مردم در مقدرات خودشان نیست، وقتی قریب ۳۰ میلیون ایرانی که زیر خط فقر زندگی می‌کنند بتوانند درباره مقدرات خودشان تصمیم بگیرند، می‌توان گفت که آنها در سرنوشت‌شان دخالت دارند. چند سال پیش وقتی آقای میرحسین موسوی اعلام کرد دولت تصمیم گرفته است پول خرید دو کشتی برنج را به بازسازی پالایشگاه آبادان اختصاص بدهد، مردم بازاحتی افزایش قیمت برنج را پذیرفتند چون می‌دانستند صرف چه کاری خواهد شد. مردم ما همیشه نشان داده‌اند که اگر درباره سیاست‌ها توجیه نشوند و اگر سیاست‌ها خودی و بیگانه نداشته باشد، نه تنها از مال، بلکه از جان نیز می‌گذرند. در واقع هرگاه حاکمیت مثل یک کوه در مقابل مشکلات ایستاده، مردم به اندازه دو کوه ایستاده‌اند. اما هر گاه حاکمیت ما در طول تاریخ متناسب با ارزش‌های فرهنگی جامعه حرکت نکرد مردم ما پنج گام جلوتر از حاکمیت و دور از ارزش‌های فرهنگی حرکت کردند. به عنوان نمونه مرحوم دکتر مصدق یک شاهی از دولت حقوق نگرفت و وقتی اشراف برای سفر به سوئیس تقاضای دریافت ۴۰ هزار دلار کرد، مصدق موضوع را به مجلس کشاند و مجلس پرداخت این ارز را تصویب نکرد و گفت من ارز این ملت فقیر را نمی‌توانم به تو بدهم تا صرف هیاشی‌هایت کنی، اما حالا می‌تواند در هر صرافی، هر چند میلیون دلار که بخواهید ارز بخرد یا بفروشد. می‌گویند ملت ما، ملت فقیری است، اما شما تعداد اتومبیل‌های تک سرشینی را که بیش از پنج میلیون تومان قیمت دارند در شهر بشمارید، یا به شالیزارهای شمال بروید تا ببینید چگونه این شالی‌ها را خشک می‌کنند تا در آنها ویلا بسازند و برای کنار دریا رفتن افرادی که در همان محله‌ها ساکن هستند یک راه باریک می‌کشند که کیلومترها راه محلی‌ها را دور می‌کند. آیا از بین رفتن زمین‌های زراعی و بیکاری شالی‌کاران، نمی‌تواند در آنها بی‌اعتمادی ایجاد کند؟ اگر دولت در مسائل اقتصادی، نظرات و هماهنگی‌ها کند و بداند که مملکت مال حاکمیت نیست، مال مردم است و باید با مردم حرکت کند و از مناسبات بین‌المللی به عنوان ابزار استفاده کند، بسیاری از مشکلات ما حل خواهد شد. مگر می‌شود دروازه‌های کشور را بر روی کالاهای خارجی باز کنیم و تا اقصی نقاط کشورمان، حتی در کوچکترین روستاهای کشور، کالاهای خارجی وجود داشته باشد و بعد صحبت از تعاجم فرهنگی قرب بگیریم. مگر نه این است که فرهنگ قرب با کالاهای وارد دهر کشوری می‌شود؟ وقتی مبتذل‌ترین کالاهای نظام سرمایه‌داری در اقصی نقاط کشور وجود دارد، بنابراین مبتذل‌ترین فرهنگ قرب هم در اینجا حاکم و غالب خواهد شد. اما در فرهنگ قرب، فرهنگ پستکار، فرهنگ کار، فرهنگ جدیت، فرهنگ ابتکار و خلاقیت و فرهنگ آزادی و مسئولیت نیز وجود دارد که هیچکدام از آنها در کشور ما نیست. چون همراه با جنس مصرفی وارد نمی‌شوند، ذهنیتی که حاکمیت به وجود آورده با واقعیات اقتصادی جامعه نمی‌خواند. ذهنیت می‌خواهد با استکبار جهانی مبارزه کند و همین دروازه‌های کشور را بر روی توپ‌های استکبار جهانی (کالاهای مصرفی) باز کرده است. وقتی همین در قالب ذهنیت ننگد، بهترین شرایط برای به وجود آمدن بی‌اعتمادی برای همه اقشار پدید خواهد آمد.

فکر می‌کنم در جامعه ما دو سنت فکری دایما در مقابل هم قرار گرفته‌اند، یک سنت فکری از قائم مقام فرآهانی، امیرکبیر، میرزا کوچک‌خان، دکتر مصدق و پیروزی انقلاب که در مقابل شاهان قرار گرفته و به مردم تکیه کرده است و سنت فکری دوم با وجودی که حکومت کرده اما توسط مردم پذیرفته نشده است. تکیه بر سنت فکری اول شاخص ارزنده‌ای برای چارچوب مناسبات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و صنعتی کشور است. حکومت کردن در ایران هیچگاه مساوی با مورد قبول واقع شدن از سوی مردم نبوده است. در تاریخ ۲۵۰۰ ساله ایران، دولت‌ها مشروعبیتشان را از شاهان و رهبران گرفته‌اند و نه از مردم و در مناسبات صنعتی حکومت‌ها چاره‌ای جز این که مشروعبیت خود را از مردم بگیرند، ندارند. و بالاخره به قول یکی از متفکران کلوط رم: "بند دیگر آن چیزی نیست که پیش از این وجود داشت، پس آیا ما نباید خود را تغییر دهیم؟"



## کردستان عراق؛ ثبات و آرامشی شکننده؟

دولت خود مختار کردهای عراق که پس از انتخابات اخیر تشکیل شده، مرکب از ۱۵ وزیر است که ۶ نفر آنها از حزب دمکرات کردستان عراق (به رهبری بارزانی)، ۶ نفر از اتحادیه میهنی (به رهبری جلال طالبانی)، یک نفر از شاخه کردستان حزب کمونیست عراق و یک نفر هم از اقلیت آسوری میباشد. پست نخست وزیری را دکتر فواد معصوم بعهده دارد که از اعضای اتحادیه میهنی است. وزیر کشور و معاون وی به ترتیب از حزب دمکرات و اتحادیه میهنی میباشد.

گرچه محافظان مقامات کرد لباس سر بازان عراقی را به تن دارند و رهبران کرد نیز به رسم تشکیل پارلمان و کابینه کردستان را کاملاً جزئی از عراق میدانند، لیکن توافق اخیر رهبران دو جریان عمده کردستان در باره تشکیل ارتش واحد از پیشمرگه های خود چگونگی روابط آبی کردستان و رژیم بغداد را در حاله ای از ابهام فرو برده است. به گفته بارزانی قرار است هدایت و کنترل ارتش نو بنیاد را وزارت دفاع کردستان بعهده داشته باشد. کمال معنی که از او به عنوان وزیر دفاع نام برده میشود، شمار سر بازان ارتش در حال تاسیس را ۱۵۰ هزار نفر بر آورد کرده که از این عده نیمی در مرزهای کردستان با منطقه تحت کنترل بغداد مستقر خواهند شد. به گفته یاره ای از رهبران کردستان مادام که صدام حسین در عراق بر سر کار است، مذاکره ای با بغداد در کار نخواهد بود و کردستان خود را عملاً از عراق جدا میدانند، تنها پس از سقوط صدام حسین کردستان خود را ایالت فدرالی از عراق خواهد دانست.

فواد مسعود، نخست وزیر کردستان گرچه سیستم فدرالی آلمان و یا سویس را نمونه ای مطلوب برای عراق میدانند، لیکن اذعان دارد که خواست مردم کردستان این است که ایالت فدرال در چهار چوب عراق فراتر رفته است. راست این است که شرایط منطقه، اوضاع بین المللی و نیز پیچیدگی مسئله کردها در جامعیت خود برای تشدید و تقویت چنین فریاد ناشی در میان مردم مناسب نیست. درست است که سرکوب های متمادی و برخورد های خصمانه رژیم های عراق با کردها در طول دهه های گذشته نفرت و کینه عمیقی در دل این مردم بر جای گذاشته؛ اما رهبران کردی پیش از همه آگاهند که پیروزی نسبی جنبش کرد در این مقطع که با دشمنی دیرینه ایران و ترکیه هم مواجه است، همانا در گرو طرح شعارهای معقول و متناسب و روشنگری گسترده در میان مردم در باب درستی این شعارهاست.

دولت خود مختار کردستان گرچه رسماً از سوی هیچ کشوری نهاد بین المللی به رسمیت شناخته نشده، لیکن آمریکا و کشورهای اروپایی (بویژه فرانسه) عمدتاً برای زیر فشار گذاشتن بیشتر رژیم صدام و تسهیل هم بخاطر مسائل انساندوستانه آن راه گونه ای فیر رسمی تحت حمایت خود گرفته اند. دولت ترکیه نیز که درگیری سختی با کردهای ساکن این کشور دارد، مصلحت سیاسی خود را حمایت از دولت خود مختار کردستان عراق قرار داده است. پس از دیدار چند هفته ای بارزانی و طالبانی از اروپا و

فعالیت های خود را به شمال عراق منتقل کرده است. یاره ای از گزارشها از حضور نیروهای این حزب در شمال غربی ایران خبر میدهند. اگر این گزارشها درست باشند، ظاهر رژیم ایران در صدد است که با میدادن دادن به پ. ک. ک. در خاک خود ترکیه را برای محدود کردن فعالیت نیروهای اپوزیسیون ایران زیر فشار گذارد.

به گفته بارزانی و طالبانی مجلس کردستان عراق همه اقدامات لازم را انجام خواهد داد تا مرز ۳۳۰ کیلومتری ترکیه و کردستان عراق آرام و بی تنش بماند و بدینسان به عملیات پ. ک. ک. علیه ترکیه که از خاک کردستان عراق انجام میگردد، پایان داده شود.

جالش و ستیز میان احزاب کرد عراق و پ. ک. ک. البته پیشینه ای چند ساله دارد. هنگامی که صدام حسین هنوز بر کردستان عراق تسلط داشت، پ. ک. ک. در شهر زاخو دارای یک ستاد بود. همین امر کردهای عراق را نسبت به رابطه رژیم عراق با این حزب مشکوک ساخته بود. استادی که از مقر سازمان امنیت عراق در زاخو بدست آمده بیانگر همکاری تنگاتنگ رژیم بغداد و پ. ک. ک. در مسائل مربوط به ترکیه میباشد. پ. ک. ک. همچنین به اخلاف در بازگشت مهاجران کرد عراقی به خانه و کاشانه خود متحمس شده است.

اما آنچه رهبران کرد عراق را به محدود ساختن و قطع رابطه خود با پ. ک. ک. واداشته، بیش از همه نیاز آنها به ترکیه در زمینه های سیاسی، اقتصادی و نظامی است. چنانکه آمد نیروهای متحدین حفاظت کردستان را از خاک ترکیه انجام میدهند و اکثر ارتباطات کردستان با جهان خارج از طریق ترکیه صورت میگیرد. در همین راستا دولت کردستان در مردادماه سال جاری با صدور قطعنامه ای پ. ک. ک. را دشمن کردها اعلام کرده بر اساس خواست و منافع دشمنان کردها عمل میکند.

پاره ای از رهبران کردستان عراق و از جمله طالبانی برای خوشایند ترکیه مسئله وحدت دراز مدت با این کشور را هم مطرح کرده اند. ظاهراً برخی نیازها چنان در چشم یاره ای از افراد خاک پاشیده که سرکوبهای دولت ترکیه در حق برادران خود را پاک از یاد برده و خود هم میخواستند مشمول این سرکوب شوند!

اعضای حزب دموکرات کردستان هم اکنون عبدالله اسلاق رهبر حزب کارگران کردستان را اعضای حزب دموکرات کردستان هم اکنون عبدالله اسلاق رهبر حزب کارگران کردستان را محلی مردم برای مقابله با سرمایه زمستان به تخریب گسترده جنگلها خواهند پرداخت تا همیز مورد نیاز خود را فراهم کنند، امری که منطقه را در برابر سیل و آلودگیهای محیط زیست سخت آسیب پذیر خواهد کرد.

با دیدار رهبران کردستان عراق از ترکیه و توافق آنها با مقامات این کشور در مورد متوقف ساختن عملیات پ. ک. ک. (حزب کارگران کرد ترکیه) روابط این حزب با احزاب کرد عراقی که قبلاً نیز سرد و متشنج بود، باز هم پر تنش تر شده است. با توافق میان دولت سوریه و ترکیه در مورد استفاده بیشتر سوریه از آب رود فرات، مقامات دمشق پ. ک. ک. را واداشتند که پایگاه آموزشی بزرگ خود در دره بقران لبنان را تخلیه کند. از اینرو این حزب اینک بخش عمده نیروها و

## کنگره حزب توده ایران

### ادامه پایمردی در اصول

جنبشی که در این دوره "اینچنین طوفانی" با قاتلان فرزندان امروزی خود برای بازگشت هابه یک زندگی بی تفاوت فردی به مباحثات می نشینند؟ جنبشی که گفتار آن هنوز از "فدائی" و "خلق" و "زحمتکش" است ولی کردار آن دیگر قرابتی با این اصطلاحات ندارد؟ جنبشی که اسم کهنه ای دارد و حرکتی ماورای نو؟... توجه میکنید وقتی کلی گویی شود برای خواننده سوالات فراوانی مطرح میگردد که آقای محمدی آنان را بدون پاسخ گذاشته اند.

معتقد ند که "هروحدتی که در محیط خلأ تفاوت نظرها و اشتراک نظرها باز تولید نگردد وحدت نیست" اما توضیح نداده اند که در درون یک تشکیلات سیاسی واحد چگونه میتوان با اختلاف نظرها بر سر اصول به وحدت رسید. از طریق تابعیت از اکثریت؟ بر تری حقوق اقلیت؟ اعمال آن شمشیر آخته استبداد که در نوشتار خود بدان اشاره کرده اند؟ تفسیر آزادی بر روالی که آقای محمدی معتقد است؟... چگونه میتوان درون یک سازمان سیاسی که در آن بر سر اصول اختلاف است از وحدت صحبت کرد؟ نظر می آید که آقای محمدی وحدت سازمانی را با وحدت نیروهای سیاسی اشتباه گرفته اند. در مورد آنکه معتقد است ایدئولوژی حزب مارکسیسم لنینیسم است با آنکه معتقد است حزب ایدئولوژی ندارد چگونه میتوان فرمول پیشنهادی آقای محمدی را بکار برد و از صاحبان این دو نظر دعوت نمود که در محیطی خلأ وحدت را باز تولید نمایند؟ بنظر میرسد برای این فرمول پیشنهادی نمیتوان حتی تری عقب مانده ترین و لیبرال ترین سازمان و حزب سیاسی مثال آورد. نیازی نیست که دوباره تعریف شود در بالا نیز بدان اشاره رنت. حزب و سازمان سیاسی تشکیلی است از انسانهای گوناگون که بر سر اصولی مشخص اشتراک نظر داشته باشند. هدف مشترک انسانها را دور یک تشکیلات جمع میکند و انسانهای بی هدف تشکیلات پذیر نیستند. امروز آقای محمدی این اشتراک نظر را با دوستان خود در سازمان یافته است و آن نوعی در حزب، هر دو داوطلبانه پذیرفته ایم و فردا اگر به نتیجه گیری برسیم داوطلبانه نیز آن را ترک نموده و یافته های تازه رابه محک خواهیم زد اما دیگر با دیروزیها به وحدت در درون یک تشکیلات واحد سیاسی نخواهیم رسید بلکه در حد ایده آل حرکت های مشترک را صورت خواهیم داد.

آنچه که در زیر می آید بخش هایی از یک نامه بسیار مطول است که از آقای بهروز میدیا مقیم بلژیک دریافت کرده ایم. این نامه، نقد نوشته ای است که چند ماه پیش با امضای محمدی تحت عنوان "کنگره حزب توده، وحدت بر ضد دموکراسی" در نشریه کار درج شده بود.

هنوان نامه دوست ارجمند آقای بهروز میدیا چنین است: "کنگره حزب توده ایران، ادامه پایمردی در اصول" اظهار میدارند که "حزب دیرتر از همه تشکیلاتی سیاسی به تشکیل کنگره تن داد و هم آنچه را که بنام کنگره سر هم بندی کرد قرابتی با یک کنگره دمکراتیک نداشت" و بلافاصله اضافه میکنند "ما اطلاع دقیقی نداریم که... جلب است از آقای محمدی سؤال شود در مورد چیزی که بنا بابتراض صریح خود اطلاعی ندارند چگونه اظهار نظر کرده اند؟ آیا این همان "شرایط یگانگی" با خود است؟ که بدان اشاره کرده اند؟ از ادب بودن و آزاد اندیشی بار آمدن "یعنی به تحریر کشیدن مطلبی که اطلاع دقیقی از آن ندارند؟ میتوان تضاد را بعهده خوانندگان گذاشت. اما در مورد اینکه کنگره حزب دیرتر از بقیه تشکیلاتی سیاسی تشکیل شد و از بودن جام قهرمانی تشکیلی کنگره عقب ماند آقای محمدی توضیح نداده اند که "زودتری" که مورد نظر ایشان بوده است چه روزی و چه تاریخی میتوانست باشد؟ و همچنین تفاوت های دیرو زود مورد نظر خود را نیز برای خوانندگان نشکانند. اگر کنگره حزب در زمانی که مورد نظر آقای محمدی است تشکیل می شد بکدام هدف باید می رسیده است که دیر کرد آن مانع گردید؟ آیا این مطلب ساده نیازی به توضیح دارد که هر تشکیلاتی با توجه به امکانات خود و ارزیابی های جمعی اقدام به برگزاری کنگره مینماید؟ آقای محمدی از سران کنونی حزب میخواهد "به جنبش بگویند که برای تشکیل کنگره از چه شیوه هایی سود جستند؟" کدام جنبش مورد نظر آقای محمدی است؟ جنبشی که در برقراری ارتباط با سردمداران ج. ا. کوس رقابت گذاشته است؟ جنبشی که نفی هویت را دست آورد میداند تا "سکتی" نشود؟ جنبشی که به رنگارنگی هرچه بیشتر نظرات در درون یک تشکیلات واحد را همین دمکراسی میدانند؟ جنبشی که بدون حضور و حتی نظر خواهی از نمایندگان اکثریت عظیمی از بدنه خود کنگره برگزار میکند؟



پیشمرگه های کرد در شمال عراق

### کمک های مالی رسیده به نشریه

* برای کمک به نشریه کار	۱۲۵ کرون
* "مادر"	۲۵ کرون
* "نام شاد"	۵۰ کرون
* "چهارلنگ"	۴۰ کرون
* "کمک به سازمان"	۲۵ کرون
* "پیام"	۶۰ کرون
* "دوگنبدان"	۳۵ کرون
* "بیاد شهید مینه شیر خانی"	۳۵ کرون
* "بیاد شهید دکتر سعید و یاران او"	۱۰۰ کرون
* "مازندران"	۴۰ کرون

## خبرها و نظرها

### پاسخ نشریه کوردستان به مقاله جمهوریخواهان ملی ایران

در نشریه کوردستان ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کوردستان در مقاله‌ای تحت عنوان پاسخی به ماهنامه جمهوریخواهان ملی ایران برخی از مواضع حزب را مورد تاکید قرار داده است. در مقاله آقای بیژن حکمت در ماهنامه جمهوریخواهان ملی ایران مواضع حزب دمکرات مورد انتقاد قرار گرفته بود. در آن مقاله با تاکید بر ساختار سیاسی تاریخی ایران و همپیوندی تاریخی فارسها و آذربایجانیها و کردها نیز کثیرالمله بودن ایران مورد انتقاد قرار گرفته و مطرح گردیده بود که اطلاق ملت با ملیت به فارسها، آذربایجانیها، کردها، بلوچها و ترکمنها بلافاصله حق تعیین سرنوشت و امکان جدائی این پاره‌های پیوسته را بدنبال می‌آورد. در آن مقاله آمده بود که

قاضی محمد با تشکیل جمهوری کوردستان آشکارا گام در راه تجزیه ایران برداشته بود و عدم برخورد انتقادی حزب دمکرات با گذشته، اعتقاد این حزب به حفظ تمامیت ارضی را بزیر سوال می‌برد. در مقاله حزب دمکرات آمده است که اگر واژه ملت را به مفهوم مجموعه انسان‌های دارای زبان مشترک، سرزمین مشترک (بهم پیوسته) و عادات و رسوم مشترک بگیریم تردیدی نیست که در ایران ملت‌ها و ملیت‌ها با خلق‌های گوناگون وجود دارند و از نظر حزب دمکرات کوردستان واژه ملت نه به مفهوم اتباع یک کشور بلکه به مفهوم مجموعه انسان‌های دارای زبان مشترک و... است. اینجاست که یک فرد کورد ساکن ایران خود را ایرانی و کرد (نه کوردستانی) می‌داند یعنی اینکه تبعه کشور ایران است و ملیت کردی دارد. در این مقاله نظر آقای حکمت که تز مزبور در ادامه خود جدائی پاره‌های پیوسته ملت ایران را بدنبال می‌آورد رد شده و آمده است که برسمیت شناختن هویت ملی این خلق‌ها استوارترین ضامن بقای وحدت و تمامیت ارضی ایران است و با تایید نظر آقای حکمت که نوشته بود "در حالی که کشورهای پیشرفته جهان معاصر بسوی وحدت سیاسی می‌روند... دور از تامل و تدبیر است که کشور ایران را تجزیه نموده و یک رشته واحدهای جغرافیائی کوچک و ضعیف از نظر اقتصادی و دفاعی و غیره بوجود بیاوریم" نظر دکتر قاسملو مورد استناد قرار گرفته که گفته بود "تشکیل یک فدراسیون از کشورهای

### حدت گیری اوضاع در روسیه

من توانائی آن را دارم که اقدام مخالفان خود را خنثی کنم. این جمله از مضامین اصلی سخنان یلتسین در روز جمعه ۶ نوامبر بود. طرف اصلی مورد خطاب یلتسین، شورای عالی جمهوری روسیه بود که در اجلاس آتی خود در اول دسامبر قصد تغییر در قانون اساسی در جهت حذف مقام ریاست جمهوری و یا تحدید اختیارات او را دارد.

از جمله اقدامات یلتسین برای مقابله با اخذ تصمیم مذکور و برکناری احتمالی وی از مقام ریاست جمهوری ممنوع کردن "جبهه نجات ملی" روسیه می‌باشد که از اتحاد بزرگترین گروه‌بندی‌های ناسیونالیست و کمونیست تشکیل شده و در بیانیه قطعنامه‌های اولین کنگره خود در مسکو خواهان استعفای یلتسین و احیای اتحاد شوروی شده است. کنگره مذکور مخالف سیاست آزادسازی قیمت‌ها و خواستار قیمت گذاری دولتی بر مواد فذائی اصلی بود و برای جلوگیری از بیکاری وسیع، دولت را به

### جابجایی قدرت در لیتوانی

روز یکشنبه ۲۵ اکتبر در جمهوری لیتوانی، اولین انتخابات پس از کسب مجدد استقلال برگزار شد. بیش از ۲/۵ میلیون نفر واجد حق رای همچنین در مورد قانون اساسی جدید شامل سیستم ریاست جمهوری نظر دادند. برخلاف استونی در لیتوانی اقلیت لهستانی و روس نیز دارای حق رای بودند.

برنده این انتخابات حزب دموکرات کارگران بود که توسط صدر سابق حزب کمونیست لیتوانی، الگیرداس براژائوسکاس، رهبری می‌شود. حزب دموکرات کارگران موفق به اخذ ۴۲٪ آرا شد. در حالی که جنبش ملی سایودیس تنها ۲۱٪ آرا را به دست آورد. حزب دموکرات کارگران در تبلیغات انتخاباتی خود بر ارتباط اجتماعی اقتصاد و نزدیکی به روسیه تاکید کرده بود. زنوناس یونکیا و کلیوس، وزیر دادگستری کشور از "کلک انتخاباتی" و آنتاناس تیار لاتسکاس، صدر جریان راست گرای لیگ آزادی لیتوانی از "تهدید کمونیستی" جدید سخن داد.

### اطلاعیه جنبش همبستگی ایرانیان برای آزادی

"جنبش همبستگی ایرانیان برای آزادی و دمکراسی" ضمن انتشار اطلاعیه‌ای این ترور وحشیانه را محکوم کرده و رابطه متعکس نمودیم. در اینجا مواضع تعدادی دیگر از سازمان‌های سیاسی اپوزیسیون درج می‌گردد.

جلوگیری از ادامه این جنایات خواستار شدند. ما در شماره‌های قبل مواضع برخی نیروها را در این رابطه منعکس نمودیم. در اینجا مواضع تعدادی دیگر از سازمان‌های سیاسی اپوزیسیون درج می‌گردد.

### بیانیه سازمان سوسیالیست‌های ایران

هیات مسئولین سازمان سوسیالیست‌های ایران طی بیانیه‌ای ترور دکتر صادق شرفکندی، نوری دهکردی، فتاح مهدی و همایون اردلان را محکوم کرده و در آن انزجار عمیق خود نسبت به این عمل وحشیانه را اعلام نموده است. در این بیانیه همچنین آمده است که تمام هلاک و شواهد حاکی از آن است که در پشت این ترورها

منزلت انسانی صرفنظر از گرایش‌های فکری گوناگون خویش همه یکسان در معرض خطر ترور و کشتار خواهند بود. در این بیانیه همچنین از همه هم میهنان درخواست شده که به ضرورت مبارزه با این جنایات بیاندیشند و دستگاه‌های پلیسی و قضائی آلمان را برای پی‌جویی عاملان جنایت و کشف حقیقت تحت فشار قرار دهند.

### موضعگیری علیه ترور رژیسم رژیم

تمامی تشکلهای سازمان‌های اپوزیسیون در رابطه با ترور دکتر صادق شرفکندی، نوری دهکردی، فتاح مهدی و همایون اردلان موضع گیری نموده و اکثرا ضمن محکوم کردن این ترور اقدام مشترک نیروها را جهت

تمامی تشکلهای سازمان‌های اپوزیسیون در رابطه با ترور دکتر صادق شرفکندی، نوری دهکردی، فتاح مهدی و همایون اردلان موضع گیری نموده و اکثرا ضمن محکوم کردن این ترور اقدام مشترک نیروها را جهت

### بیانیه کانون نویسندگان ایران در تبعید ترور وحشیانه مزبور را محکوم کرده و از سکوت آلوده به بند و بست حکومت‌های سرمایه‌داری انتقاد نموده است.

کانون نویسندگان ایران در تبعید ترور وحشیانه مزبور را محکوم کرده و از سکوت آلوده به بند و بست حکومت‌های سرمایه‌داری انتقاد نموده است. در این بیانیه آمده است که تا زمانی که سکوت و بی‌عملی و پراکندگی خیل تبعیدیان ادامه داشته باشد و تا هر زمان که کشورهای میزبان برای خاتمه بخشیدن به جنایات رژیم حاکم بر ایران با هیچ فشاری از سوی ما روبرو نباشند هواخواهان آزادی و

کانون نویسندگان ایران در تبعید ترور وحشیانه مزبور را محکوم کرده و از سکوت آلوده به بند و بست حکومت‌های سرمایه‌داری انتقاد نموده است. در این بیانیه آمده است که تا زمانی که سکوت و بی‌عملی و پراکندگی خیل تبعیدیان ادامه داشته باشد و تا هر زمان که کشورهای میزبان برای خاتمه بخشیدن به جنایات رژیم حاکم بر ایران با هیچ فشاری از سوی ما روبرو نباشند هواخواهان آزادی و

## با اشتراك «کار» ما را در پیشبرد وظایفمان یاری رسانید

<p>فرم اشتراك</p> <p>برای اشتراك نشریه کار، فرم زیر را پر کرده، به آدرس نشریه کار ارسال نمایید.</p> <p>ما را در نشریه کار را برای مدت شش ماه <input type="checkbox"/> یکسال <input type="checkbox"/> مشترک شوم. متعادل</p> <p>بهای اشتراك بصورت حواله بانکی <input type="checkbox"/> تمبر پستی <input type="checkbox"/> همراه نامه است</p> <p>آدرس: _____ (لطفاً خوانا بنویسید) Name: _____ Address: _____</p>		<p>بهای اشتراك نشریه کار</p> <table border="1"> <tr> <td>شش ماهه</td> <td>یکساله</td> </tr> <tr> <td>اروپا ۴۵ مارک</td> <td>۹۰ مارک</td> </tr> <tr> <td>سایر کشورها ۵۲ مارک</td> <td>۱۰۴ مارک</td> </tr> </table> <p>مطالبی که با امضاء فردی در کار درج می‌شود، لزوماً بیانگر موضع و نظر نشریه نیست.</p>		شش ماهه	یکساله	اروپا ۴۵ مارک	۹۰ مارک	سایر کشورها ۵۲ مارک	۱۰۴ مارک	<p>ارگان مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)</p> <p>حساب بانکی: M.ABD NR_35263011 37050198 کدبانک: Stadtparkasse Köln GERMANY</p> <p>آدرس: RUZBEH POSTFACH 1810 5100 AACHEN GERMANY</p> <p>fax: 00 49 - 221 - 3318290</p>	
شش ماهه	یکساله										
اروپا ۴۵ مارک	۹۰ مارک										
سایر کشورها ۵۲ مارک	۱۰۴ مارک										

## بیل کلینتون، چهل و دومین رئیس جمهور آمریکا



بیل کلینتون

بیل کلینتون، کاندیدای ۴۶ ساله حزب دموکرات آمریکا با پیروزی در ۳۳ حوزه ایالتی از ۵۱ حوزه انتخابات ریاست جمهوری و کسب ۳۷ درصد از مجموع آرا، رئیس جمهور شد. شکست داد. تعداد کرسی‌های بوش در مجمع انتخاب کننده رئیس جمهور ۱۶۸ خواهد بود. در این مجمع، ایالات مختلف به نسبت تعداد نمایندگان در کنگره، کرسی دارند. بیل کلینتون که تا بحال فرماندار ایالت آرکانزاس بوده است، بابت کسب ۲۵ رأی، به ۱۹۹۳، به حاکمیت ۱۲ ساله حزب جمهوریخواه در کاخ سفید پایان خواهد داد. کلینتون پس از جان اف. کندی که هنگام انتخابش به ریاست جمهوری ۴۳ ساله بود، جوان ترین رئیس جمهور ایالات متحده خواهد بود.

همراه با رئیس جمهور، همه ۴۳۵ عضو مجلس نمایندگان، ۳۴ تن از صد نماینده مجلس سنا و ۱۲ فرماندار ایالت انتخاب شدند. در این انتخابات، دموکرات‌ها اکثریت قاطع خود را در کنگره حفظ کردند، به گونه‌ای که برای نخستین بار پس از ۱۲ سال، کاخ سفید، سنا و مجلس نمایندگان آمریکا در دست یک حزب خواهد بود.

حدود ۵۴ درصد واجدین شرایط در رای گیری شرکت کردند. بدین ترتیب، برای نخستین بار پس از سالها میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری افزایش یافت. در مقیاس کل کشور، کلینتون ۴۳ درصد آرا و بوش ۳۸ درصد آرا را کسب کرد. اما از آنجا که این برتری بطور کمابیش یکسان در کل کشور وجود داشت، در مجمع انتخاب کننده رئیس جمهور، کلینتون اکثریت اکثریت نیرومندی کسب کرد. راس پرو کاندیدای مستقل، بیش از حد انتظار رای کسب کرد. به پرو ۱۹ درصد مردم رای دادند و بدین ترتیب، وی موفق ترین نامزد دیموکراتی ریاست جمهوری در قرن حاضر بوده است. اما پرو نتوانست در هیچ ایالت اکثریت بدست آورد و بدین ترتیب در مجمع انتخاب کننده رئیس جمهور، نماینده نخواهد داشت.

بیل کلینتون رئیس جمهور آتی ایالات متحده پس از پیروزی چشمگیری خود در انتخابات، وعده داد که زمامداری او برای آمریکا به معنای آغازی نوین خواهد بود. وی که در برابر طرفدارانش در لیتل راک پایتخت آرکانزاس در محل زندگی‌اش سخن می‌گفت، وعده داد به رشد اقتصادی تحقق بخشد و آمریکا را "از قول نظامی به قول اقتصادی" تبدیل کند.

جرج بوش در قرن حاضر، چهارمین رئیس جمهوری است که علیرغم استفاده از امتیاز زمامداری بودن، در انتخابات شکست می‌خورد. مهم‌ترین عامل شکست او، این بود که در دوره ریاست جمهوری وی، اقتصاد آمریکا بطور متوسط در سال تنها ۰/۹٪ در صدر رشد داشت. این نرخ، پایین ترین نرخ متوسط رشد از هنگام ریاست جمهوری هور در زمان بحران اقتصادی سخت دهه‌های ۳۰ و ۴۰ بود. بوش در سال ۱۹۸۸ در حالی با تکیه بر تکرار شعارهای اقتصادی ریگان به ریاست جمهوری رسید که

## بوسنی و هرزگوین؛ چشم انداز صلح چگونه است؟

سه کانتون (ایالت) براساس خاستگاه ملی و قومی اهالی را پیش نهاده‌اند و مسلمانان با توجه به درصد بالای خود در ترکیب جمعیت خواستار حفظ کشور، پارلمان و دولت واحد بوده و با تقسیم بوسنی و هرزگوین مخالفند.

در این میان نمایندگان سازمان ملل و جامعه مشترک اروپا طرحی را تهیه کرده‌اند که به یک قانون اساسی شایسته دارد و بر اساس آن بوسنی و هرزگوین صرفاً بر مبنای مسائل و پیوندهای اقتصادی و جغرافیایی به ۷ تا ۱۰ استان تقسیم خواهد شد. هر کدام از این استان‌ها در برابر حکومت مرکزی در ساریوو (پایتخت) از حقوق مشخصی برخوردار خواهد بود، اما امور خارجه، دارایی و دفاع در محدوده اختیارات دولت مرکزی باقی خواهد ماند. این طرح را کروات‌ها و مسلمانان پذیرفته‌اند و صربها نیز به رسم مخالفت اولیه خود حاضر شده‌اند که بر سر آن در کنفرانس صلح ژنو گفتگو کنند. با اینهمه آنها هنوز از طرح خود دست نکشیده و می‌خواهند آن را هم مجدداً به کنفرانس ارائه نمایند.

در همین حال شواهدی همچون افزایش ارتباطات و گفتگوها میان نمایندگان صربستان و کروات و نیز عقب نشینی‌های مشکوک و بی‌دفاع کروات‌ها در برابر صرب‌ها و همچنین اظهارات پاره‌ای از رهبران اپوزیسیون در بلگراد مبنی بر تئوری میلوو و شویچ و توچمن (رهبران صربستان و کروات) شایسته توافق پنهانی این دو جمهوری در مورد تقسیم بوسنی و هرزگوین به ضرر مسلمانان را قوت بیشتری بخشیده است.

روند و نتایج مذاکرات صلح احتمالاً بیش از هر چیز به انتخابات پارلمانی در یوگسلاوی (صربستان - مونته‌نگرو) بستگی خواهد داشت. قرار است در اواسط دسامبر برای انتخاب نمایندگان پارلمان محلی صربستان و نیز گزینش نمایندگان پارلمان فدرال از مردم رای گیری بعمل آید.

بعید نیست که با شکست نیروهای افراطی صرب در انتخابات، شانس موفقیت مذاکرات صلح افزایش یابد.

کثیری از مردم این جمهوری انجامیده است. توسعه طلبی رهبران صرب و اختلاف نظر همیق میان سه نیروی درگیر مانع اساسی در راه پایان دادن جنگ است. نیروهای صرب با حمایت ارتش فدرال یوگسلاوی (صربستان - مونته‌نگرو) به رقم تحریم‌های اقتصادی و تسلیحاتی سازمان ملل همچنان شهرها و روستاهای بوسنی و هرزگوین را در زیر آتش خود دارند و برآنند که بخش‌های بزرگتری از این جمهوری را اشغال کنند تا در مذاکرات صلح از موضع قوی‌تری برخوردار باشند.

راست این است که تحریم اقتصادی و نظامی سازمان ملل در مورد صربستان بطور کامل و جدی رعایت نمی‌شود و به گفته شاهدان عینی از مرزهای رومانی و یونان و نیز از طریق دریای این جمهوری اسلحه و مواد غذایی وارد می‌شود. این در حالی است که مسلمانان از پشتیبانی و حمایت چندانی برخوردار نیستند.

تبلیقات پان‌اسلامیستی رژیم تهران در حمایت از مسلمانان بوسنی بیش از آنکه مواضع مسلمانان بوسنی و هرزگوین را تقویت کند باعث هراس عمومی نسبت به ایجاد یک جمهوری واپسگرا به سبک ایران می‌شود. در این میان نه کمک‌های مالی صربستان، ترکیه و امارت متحده، نه تقاضای ایران، ترکیه و صربستان سعودی از سازمان ملل برای برداشتن تحریم تسلیحاتی در مورد بوسنی و هرزگوین و نه تهدید عزت بیک اویچ، رئیس جمهور بوسنی به کاربرد گازهای سمی هیچ‌کدام نتوانسته است رهبران صرب را از تجاوزات و جنایات بیشتر بازدارد.

تلاش‌های صلح جویانه‌ای که تاکنون انجام گرفته عمدتاً به سبب دیدگاه‌های توسعه طلبانه رهبران صرب و اختلاف نظر شدید میان طرف‌های درگیر به ناکامی انجامیده است. صرب‌ها خواهان آنند که در مناطق تحت اشغال آنها "جمهوری صربستان" تشکیل شود. در طرح ارائه شده از سوی آنها معلوم نیست که سرپوش مناطق اشغالی مسلمان نشین چه خواهد شد. کروات‌ها طرح ایجاد

ادامه از صفحه ۱۲  
واحد برایشان دشوار بود، از در جنگ درآمدند و بخش‌هایی از کرواسی و اسلوونی را به اشغال در آوردند. با فشار دولت‌های غربی و بویژه آلمان، صرب‌ها استقلال این دو جمهوری را غیرمستقیم به رسمیت شناختند و به جنگ با آنها پایان دادند. با اینهمه هنوز نیروهای صرب در کرواسی حضور دارند و ۲۵ درصد خاک این جمهوری در دست آنهاست. در همین حال مقدونیه نیز به گونه‌ای صلح آمیز اعلام استقلال کرده که تاکنون از سوی پاره‌ای از کشورهای به رسمیت شناخته شده است. علت آن است که یونان با ماندن نام مقدونیه بر این جمهوری مخالف است و آن را تاریخاً نام بخش‌هایی از خود می‌داند. کشورهای غربی هم بخاطر ملاحظه یونان و هم دلیل آنکه ۵۰ درصد جمعیت مقدونیه را مسلمانان تشکیل می‌دهند، برای به رسمیت شناختن این جمهوری چندان شتاب ندارند.

آنچه که از یوگسلاوی سابق به جا مانده فدراسیونی مرکب از صربستان (با ۹ میلیون نفر جمعیت) و جمهوری کوچک مونته‌نگرو (با ششصد هزار نفر جمعیت) که اینک درگیر جنگ با بوسنی و هرزگوین است. ۸ ماه پیش با اعلام استقلال بوسنی و هرزگوین جنگ و درگیری میان اهالی صرب این جمهوری با پشتیبانی ارتش صربستان از یکسو و کروات‌ها و مسلمانان از سوی دیگر شعله‌ور شد. صرب‌ها از آن بیم داشتند که در جمهوری مستقلی که مسلمانان و کروات‌ها داشتند بالار داشته باشند، مورد تضییق و بی‌عدالتی قرار گیرند. از این رو با جنگ و درگیری به تصرف مناطق بزرگی از بوسنی و هرزگوین دست زدند و هم اینک ۶۰ درصد خاک این جمهوری در دست آنهاست. ۳۰ درصد بقیه را کروات‌ها در دست دارند و مسلمان‌ها که ۴۵ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند تنها بر ۱۰ درصد خاک این جمهوری مسلطند.

جنگ در بوسنی و هرزگوین تاکنون ۱۴ هزار قربانی گرفته و به بی‌خانمانی و مهاجرت شمار

آمریکا برای رعایت حقوق بشر فشار بیشتری به حکومت‌های دست راستی وارد آورد. محافل محافظه‌کار حکومتی در این کشورها گرایش خود به بوش را پنهان نکردند. در بیانیه‌ای رسمی، دولت‌های دست راستی آمریکا مرکزی خواهان هدم تغییر عمده در سیاست ایالات متحده شدند. در کوبا دولت این کشور طی یک موضع‌گیری گفت امیدوار است روابط کوبا و ایالات متحده بهبود یابد. معاون وزیر خارجه کوبا اظهار داشت ممکن است دولت کلینتون به سیاست ارتجاعی واشنگتن در قبال کوبا پایان دهد.

دولت‌های غرب امیدوارند سیاست آمریکا در مذاکرات صلح خاورمیانه بسود اسرائیل تغییر نکند. این در حالی است که حزب دموکرات آمریکا بطور سنتی طرفدار اسرائیل است. گفته می‌شود جیمی کارتر رئیس جمهور اسبق ایالات متحده و معمار پیمان کمپ دیوید میان مصر و اسرائیل، از سوی کلینتون به سمت ناظر مذاکرات صلح خاورمیانه گمارده خواهد شد.

جان میجر نخست وزیر انگلیس در پیام تبریک خود به کلینتون خاطر نشان کرد که خدمات جرج بوش نباید فراموش شود. میجر افزود بوش "رهبری بی‌مانند برای جهان غرب" بود. حزب محافظه‌کار انگلیس با جمهوریخواهان آمریکا روابط نزدیک‌تری دارد تا دموکرات‌ها. میجر امیدوار بود بوش مجدداً انتخاب شود.

راديو بغداد با پخش آهنگ‌های شاد نسبت به شکست بوش واکنش نشان داد.

### شکست ریگانیسم

#### بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا شد

ادامه از صفحه ۱۲  
صدام حسین می‌دانست. اما همه این احتیاط‌های لازم در ارزیابی، نمی‌تواند مانع از آن شود که بر مهم‌ترین نتیجه‌گیری از انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده، تأکید کنیم: مردم آمریکا که در قیاس با چند دوره اخیر، استقبال گسترده‌ای از رای‌گیری کردند، با رای خود نقطه پایانی بر حکومت دوازده ساله ایدئولوژی و سیاست

محافظه‌کاری گذاشتند. رهبران جدید آمریکا اگر واقعا وظیفه‌ای را که رای دهندگان به آنها محول کرده‌اند، انجام دهند و به وعده‌های انتخاباتی خود عمل کنند، می‌توانند به جهانیان چهره‌ای جدید از آمریکا ارائه دهند. چهره‌ای که اگر نه دموکراتیسم بنیانگذاران ایالات متحده، حداقل واقع‌بینی فرانکلین روزولت را به یاد آورد.

## پیشروی ارتش ترکیه در عراق

### کیسای کاتولیک از گالیله

کیسای کاتولیک ۳۵۰ سال پس از مرگ گالیله از وی معذرت خواست. پاپ ژان پل دوم، رهبر واتیکان روز شنبه ۳۱ اکتبر در مراسمی که بمناسبت "حیثیت" از گالیله در آکادمی علوم واتیکان برگزار شد، ضمن ایراد سخنرانی اعلام کرد که حکم دادگاه کلیسا (انگیزاسیون) در مورد گالیله ناعادلانه و غیرمنصفانه بوده است. بر اساس این حکم که در سال ۱۶۳۲ میلادی صادر شد، گالیله می‌بایست از تئوری خود در مورد کروی بودن زمین و گردش آن به دور خورشید دست کشیده و آن را نفی کند.

گالیله برای نجات جان خویش در حرف به حکم کلیسا گردن نهاد، اما هیچگاه نظریه خود را رسماً نکرده و کشیش آزاده‌ای به نام جیوردانو برونو اما رسماً به حمایت و تبلیغ نظریه گالیله پرداخت و بدینسان از سوی کلیسا "مستوجب آتش" گشت.

اهداف عملیات اظهار سوئمن می‌کنند. برخی ناظران می‌گویند ارتش ترکیه فعلاً در شمال عراق باقی خواهد ماند تا منطقه شمال عراق را که پس از جنگ خلیج فارس از سوی آمریکا و متحدانش بعنوان منطقه امن کردهای عراقی اعلام شده است، تحت کنترل بگیرد و نگذارد پ. ک. ک. از این منطقه استفاده کند. دولت ترکیه می‌کوشد این گمان‌ها را زایل کند. دیپلمات‌های کشورهای غربی اخیراً به وزارت خارجه ترکیه فراخوانده شدند تا به آنها درباره اهداف عملیات ترکیه اطلاعات داده شود. در این ملاقات، مأموران عالی رتبه دولت ترکیه تأکید کردند که این کشور قصد اشغال شمال عراق را ندارد. رئیس ستاد ارتش ترکیه گفته است تاکنون دو پایگاه بزرگ پ. ک. ک. توسط ارتش ترکیه تسخیر شده‌اند، و به زودی منطقه شیوا در نزدیکی مرز ایران نیز تحت کنترل ترکیه در خواهد آمد.

واحدهای پیاده نظام و تانک ارتش ترکیه با حمایت جنگنده‌ها و هلی‌کوپترها هر چه بیشتر در خاک شمال عراق پیشروی می‌کنند تا مواضع حزب کارگران کردستان (پ. ک. ک.) را از میان بردارند. مطبوعات ترکیه به نقل از منابع نظامی نوشتند که نیروهای امنیتی این کشور بیش از سی کیلومتر در خاک عراق پیش‌رفته‌اند و اکنون منطقه‌ای به وسعت حدود چهار صد کیلومتر مربع را تحت کنترل خود دارند. طبق گزارش‌های رسمی آنکارا حدود ۲۵ هزار نفر از افراد ارتش ترکیه در این عملیات شرکت دارند. هفته گذشته تعداد بیشتری از واحدهای تانک، این نیروها را تقویت کردند.

رئیس ستاد ارتش ترکیه می‌گوید عملیات این کشور در عراق، اقدامی به لحاظ زمانی و مکانی محدود برای بیرون راندن حدود هشت هزار نفر از اعضای پ. ک. ک. از شمال عراق است. اما برخی رسانه‌های عمومی ترکیه نسبت به

## تظاهرات عظیم مردم در لندن

### شکست ریگانسیم بیل کلینتون رئیس جمهور آمریکا شد

کویت نیز نتوانست بر رقیب خود چیره شود. نابسامانی اقتصاد آمریکا، خیلی زود مستی ناشی از پیروزی سهو الوصول بر عراق را از سر آمریکایی‌ها پراند. به نظر می‌رسد هر کس دیگری به جز کلینتون نیز اگر به‌عنوان نامزد حزب مخالف، با شعار "تحول" به میدان می‌آمده، بوش را شکست می‌داد.

برخی رؤس برنامه اعلام شده کلینتون، نقطه مقابل سیاست‌های ریگانسیم است. رئیس جمهور جدید، می‌خواهد بر ثروت‌های کلان، مالیات بیشتری ببندد و از این راه، هزینه بهبود سیستم بهداشتی و آموزشی و ترمیم زیر ساخت اقتصادی، به ویژه راه‌های حمل و نقل را تامین کند. کلینتون قول داده است از بودجه نظامی آمریکا ۳۰ درصد بکاهد. او این امر را پنهان نمی‌کند که الگوی آلمان را در مرصه آموزش حرفه‌ای سر مشق قرار خواهد داد. الگویی که در آن، دولت با به‌عمره گرفتن نقشی فعال و تحمل هزینه‌های سنگین، در بالابردن سطح مهارت نیروی کار می‌کوشد. کلینتون اعلام کرده است که برنامه پر هزینه "جنگ ستارگان" را متوقف خواهد کرد. یکی از اهداف اعلام شده رئیس جمهور جدید، گذار صنایع تسلیحاتی به تولید محصولات دارای مصرف غیر نظامی، و از جمله وسایل حفظ محیط‌زیست است.

اگر کلینتون به این وعده‌ها عمل کند، چهره ایالات متحده متحول خواهد شد. اما ناظران سیاسی، به دو دلیل عمده در ارزیابی احتمال تحولات بنیادین در سیاست‌های واشنگتن احتیاط به خرج می‌دهند:

اولا میراث دوازده سال حکومت جمهوریخواهان و به ویژه بدهی و کسری بودجه ایالات متحده به قدری سنگین است که امکان مانور را تا حد زیادی از دولت جدید خواهد گرفت.

ثانیا کلینتون در دوره فرمانداری خود، در ایالت آرکانزاس نشان داده است که بخوبی قادر است از شعارهای انتخاباتی و اهداف بلند پروازانه دست کشیده، به میل و اراده، پرنفوذترین گروه‌های فشار، یعنی نمایندگان سرمایه کلان، نامزد حزب دمکرات برای مقبولیت بیشتر نزد آمریکایی‌های محافظه‌کار، در طول مبارزه انتخاباتی کوشید. از نفوذ طرفداران اصلاحات عمیق در حزب دمکرات بکاهد، به قدری کافی انگیزه برای دوری جستن از هرگونه توهمی نسبت به کلینتون و گروه او ایجاد می‌کند. به ویژه در مرصه سیاست خارجی، انتظار نمی‌رود که رئیس جمهور جدید، پیرو قاطع "نئواندیشی" لازم برای انطباق با شرایط کلی تحول یافته پس از جنگ سرد باشد. فراموش نکرده‌ایم که کلینتون نیز مانند همه سیاستمداران عمده آمریکا، مدافع ماجراجویی نظامی این کشور در خلیج فارس بود و خطای بوش را نه در لشکرکشی برای نجات دربار فاسد آل صباح، که در تمام نکردن کار ادامه در صحنه ۱۱

دوازده سال پیش در چنین روزهایی، تحت تاثیر فضای مسمومی که ورود ارتش شوروی به افغانستان و گروگان‌گیری آخوندها در تهران بوجود آورده بود، رونالد ریگان نماینده محافظه‌کارترین جناح سیاسی عمده در ایالات متحده آمریکا انتخاب شد. وی بلافاصله پس از ورود به کاخ سفید، برنامه سیاسی خود را اعلام کرد و اجرای آن را آغاز نمود. در سیاست داخلی، کاستن از مالیات سرمایه و حذف بودجه‌های رفاهی، مقابله با لیبرالیسم و احیای ارزش‌های محافظه‌کاران در عرصه فرهنگ، انتقال بار بحران اقتصادی به دوش محروم‌ترین اقشار جامعه، در سیاست خارجی، کوبیدن بر طبل جنگ صلیبی علیه شوروی به مثابه "امپراتوری اهریمنی"، توسل به زور در پیشبرد اهداف سیاسی بین‌المللی و افزایش سرسام آور هزینه‌های تسلیحاتی. پیش از ریگان، محافظه‌کاری جدید تسخیر قدرت سیاسی در لندن توسط مارگارت تاچر را جشن گرفته بود، و دو سال پس از آمریکا، رهبری سیاسی در آلمان فدرالی نیز از سوی آلدمرکاتر هابه محافظه‌کاران منتقل شد. بدین سان، در دهه هشتاد مهمترین مراکز تصمیم‌گیری جهان سرمایه‌داری تحت کنترل نیروهایی قرار گرفت که از منافع ارتجاعی‌ترین محافظ سرمایه مالی و تسلیحاتی دفاع می‌کردند و در همه عرصه‌ها، سیاست‌هایی را به مورد اجرا گذاشته‌اند که در بریتانیا به تاچریسم و در آمریکا به ریگانسیم شهرت یافت.

نتیجه انتخابات هفته گذشته آمریکا، میان شدن شکست ریگانسیم است. ایدئولوژی و خط مشی محافظه‌کاران، میراث شومی از کسری بودجه صدها میلیارد دلاری، فقر و بیکاری دهها میلیون آمریکایی، اقتصاد دچار رکود، سردرگمی سیاست خارجی پس از پایان ناگهانی جنگ سرد و افول هر چه بیشتر قدرت ایالات متحده در عرصه جهان به جای می‌گذارد. در درجه اول نه بوش، که محافظه‌کاری نوین بازنده انتخابات آمریکا است. بیل کلینتون نامزد حزب دمکرات قبل از هر چیز بخاطر اعلام شعار "تحول"، جمهوریخواهان را شکست داد. صرف‌نظر از اینکه رئیس جمهور جدید آمریکا به وعده تحقق تحولی واقعی عمل نپوشاند یا نه، زای اکثریت عظیم مردم آمریکا به او به راس پرور رقیب دیگر بوش، رای منفی به حزبی است که در دهه هشتاد خدمت به سرمایه کلان و جنگ سرد را بر پرچم خود نوشت و با سیاستی ماجراجویانه، تنها ابر قدرت باقیمانده جهان را به وضعی کشاند که می‌بینیم: اقتصاد را کد، جاده‌ها و خیابان‌های نیمه ویران، مدارس با سطح هر چه نازل‌تر، بیمارستان‌های نابسامان، عدم توانایی رقابت با قدرت‌های دیگر سرمایه‌داری، جرج بوش که سیاست‌ها و عملکردش، ادامه منطقی جنگ سرد بود، حتی با سوار شدن بر موج ناسیونالیسم همزمان با بیرون راندن صدام حسین از

معدن چنان تظاهرات به پایان رسید. نخست وزیر جان میجر پس از پیروزی خود در انتخابات اخیر به مردم انگلیس وعده جامعه بی‌طبقه را داده بود و تظاهرات عظیم مردم پاسخی بود به این وعده، اما اعتراض عمومی مردم هم چنین متوجه بی‌سیاستی و سردرگمی دولت در مقابله با بحران رکود است. پیش‌بینی می‌شود تا سال آینده تعداد بیکاران به ۳ میلیون برسد. محافظه‌کاران از بدو بدست گرفتن قدرت در ۱۳ سال پیش، اکنون در وضعیت‌ترین موقعیت خود قرار گرفته‌اند.

سیاست تعطیل معادن را با اکثریتی ضعیف تائید کرد، اما دولت در برابر موج سنگین اعتراضی به عقب‌نشینی‌های معینی تن داد. دولت قبول کرد فعلا ۲۰ معدن را باز نگامدارد و بقیه را هم به تدریج تعطیل کند. روز یکشنبه ۲۵ اکتبر با وجود ریزش باران شدید و سرما، ۲۵۰ هزار نفر بار دیگر به خیابان‌ها ریختند و اعتراض خود را اعلام داشتند. جمعیت در پایان راهپیمایی در هاید پارک لندن اجتماع کرد و با سخنرانی رهبران احزاب مخالف دولت (حزب کارگر و حزب لیبرال دموکرات) و نیز رهبر بزرگترین اتحادیه کارگری انگلیس و نماینده

برق اکثر نیروگاه‌های انگلیس سوخت خود را به گاز تبدیل کرده‌اند. با این حال کشور هنوز به کار معادن ذغال سنگ نیازمند است. به علاوه سوخت ذغال سنگ ارزان تر از گاز است و گذشته از اینها دولت بدون هیچ تدبیری و یا حتی مصلحتی کافی تصمیم گرفت ۳۰ هزار کارگر را بیکار کند. در چنین شرایطی تصمیم ناگهانی دولت برای بستن معادن، خشم معدنچیان را شعله‌ور کرد. آنها خواهان حمایت مردم شدند. روز چهارشنبه ۲۱ اکتبر ۲۰۰ هزار نفر علیه تصمیم دولت در مورد بستن معادن دست به تظاهرات زدند. فشار مردم بحث را به پارلمان کشید. پارلمان

بدنبال اعلام تصمیم دولت انگلیس در مورد بستن ۳۰ معدن بزرگ ذغال سنگ و بیکار کردن ۳۰ هزار نفر از کارگران معدن، موج اعتراض مردم سراسر کشور را فراگرفت.

بحران اقتصادی در انگلیس بیداد می‌کند. تولید و اشتغال به پایین‌ترین سطح رسیده است. در این بحران رکود حادی که تمام کشورهای صنعتی را فرا گرفته است، انگلستان بدترین وضع را دارد. دولت محافظه‌کار جان میجر هیچ طرح روشنی برای بیرون کشیدن کشور از بحران رکود در دست ندارد. پس از خصوصی کردن صنعت



بدون شغل چرخ کشور نمی‌گردد

### بوسنی و هرزگوین؟ چشم انداز صلح چگونه است؟

همراه گشت، قیام مردم آلبانی تبار ساکن کووو در دهه ۹۰ از نخستین نشانه‌های اوج‌گیری بحران بود. کووو و بولدینا دو استان خودمختار در جنوب و شمال صربستان هستند که در اولی مسلمان‌های آلبانی تبار و در دومی مجارها اکثریت ساکنین را تشکیل می‌دهند. بر بستر و خامت فزاینده اوضاع اقتصادی و تشدید نابرابری‌های ملی و نیز با تاثیر پذیری از رویدادهای بلوک شرق تنش‌ها و درگیری‌های قومی و ملی در یوگسلاوی در دو، سه سال اخیر شدت بیشتری یافت و تب استقلال طلبی تقریبا همه جمهوری‌ها را فرا گرفت. اسلوونی با پشتیبانی غرب پیش از همه اعلام استقلال نمود که از سوی صرب‌ها با مخالفت روبرو شد و مالا به جنگ و درگیری انجامید. کروات‌ها نیز اندکی بعد خواهان استقلال از یوگسلاوی شدند. صرب‌ها از آنجایی که موجودیت اهالی صرب ساکن این دو جمهوری را در خطر می‌دیدند و نیز رها کردن ایده یوگسلاوی اقوام و ملل ساکن یوگسلاوی

بحران یوگسلاوی سابق که از دو سال پیش با جنگ و درگیری میان صرب‌ها و مردم سایر جمهوری‌های این سرزمین آغاز شد، هنوز هم ادامه دارد و روز به روز قربانیان بیشتری می‌گیرد. یوگسلاوی که در سال ۱۹۱۷ از به هم پیوستن صربستان، مقدونیه، کرواسی، مونته‌نگرو، بوسنی و هرزگوین و اسلوونی بوجود آمد تا سال ۱۹۴۱ دارای حکومت سلطنتی بود و پس از جنگ جهانی دوم کمونیست‌ها به رهبری تیتو در آن به قدرت رسیدند. در دوران ۴۰ سال پس از جنگ مسائل ملی و قومی در یوگسلاوی تحت الشعاع ایدئولوژی واحد دولت قرار داشت و به رفتم تقسیمات نامعادلانه امکانات اقتصادی و نابرابری‌های ملی نشانی از تنش‌ها و درگیری‌های ملی و قومی به چشم نمی‌خورد. مرگ تیتو به عنوان نماد وحدت ملی در سال ۱۹۸۰ با وخامت هر چه بیشتر اوضاع اقتصادی و تیرگی بیشتر در روابط اقوام و ملل ساکن یوگسلاوی

### از سرگیری جنگ در آنگولا

مخلفه سفارتخانه‌های لواندا قرار گرفته است، هدف آتش قرار دادند. به گزارش خبرگزاری پرتغال، سخنگوی اونیتا در این حمله به سختی مجروح و به بیمارستان منتقل شد. این گزارش می‌افزاید چند تن دیگر از رهبران اونیتا کشته، مجروح یا دستگیر شده‌اند. هفته گذشته اونیتا دو هواپیمای متعلق به سازمان ملل را که حامل محموله‌های کمک غذایی به آنگولا بود، تحت کنترل خود در آوردند. فرودگاه لواندا علیه رفتم نبردها بازگشایی شد. قرار است اتباع کشورهای غربی از طریق فرودگاه، آنگولا ترک کنند. جنگ داخلی در آنگولا بخاطر عدم تمکین شورشیان دست راستی اونیتا به نتایج انتخابات آزاد که در آن دولت لواندا برنده شده است، از سر گرفته شد.

در جنگ میان شورشیان و نیروهای دولتی آنگولا طبق گزارش رادیو آنگولا بیش از هزار نفر کشته شدند. این گزارش حاکی است در میان کشته شدگان، اتباع خارجی نیز دیده می‌شود. به گزارش شاهدان عینی، آتش بس مورد توافق ناشی از میانجی‌گری سازمان ملل متحده، رهایت نمی‌شود. خبرگزاری پرتغال گزارش داد در لواندا پایتخت آنگولا صدای تیراندازی و انفجار به گوش می‌رسد. برخی گزارش‌ها حاکی است افراد غیر نظامی در لواندا به قارت ساختمان‌هایی پرداخته‌اند که مورد استفاده شورشیان اونیتا بوده است. اتومبیل‌های پلیس با عبور از خیابان‌ها مردم را به پایان دادن به درگیری‌ها فراخواندند. از سوی دیگر گفته می‌شود نیروهای دولتی، اقامتگاه یوناس ساومبیمی رهبر اونیتا را که در

**کردستان عراق؛  
ثبات و آرامشی شکننده؟  
در صحنه ۹**